

دالان اقتصادی چین - پاکستان (CPEC): پیوندی میان ژئواقتصاد و ژئوپلیتیک در جنوب آسیا

محمد رضا حافظنیا^۱، جان اگنیو^۲، محمدرضا ملکشاهی^{۳*}، محمدشهاب
احمدی^۱، ماریا فورتنک^۲

۱. گروه جغرافیای سیاسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.
۲. گروه جغرافیا، دانشگاه کالیفرنیا، لس آنجلس، آمریکا.

مشخصات مقاله	چکیده
مقاله پژوهشی موضوع: میان رشته‌ای حوزه موضوعی: چین و پاکستان تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۴/۱۶ تاریخ بازنگری: ۱۴۰۴/۰۵/۰۷ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۵/۱۲ تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۰۵/۱۹ واژگان کلیدی: پاکستان، ژئواقتصاد (ژئواکونومی)، ژئوپلیتیک (سیاست جغرافیایی)، چین، دالان (کریدور).	دالان (کریدور) اقتصادی چین- پاکستان (CPEC) یکی از طرح‌های کلیدی ابتکار کمربند و راه (BRI) است. این دالان که در اتصال چین به آب‌های گرم اقیانوس هند نقشی راهبردی ایفا می‌کند، نه تنها پیامدهای اقتصادی برای دو کشور دارد، بلکه ابعاد ژئوپلیتیکی (سیاست جغرافیایی)، امنیتی و اجتماعی گسترده‌ای نیز داراست. در مقاله حاضر، با بهره‌گیری از روش کیفی و تحلیل محتوای اسنادی، در چارچوب مفاهیم ژئواقتصاد (ژئواکونومی) و ژئوپلیتیک، به تحلیل طرح CPEC پرداخته‌ایم و نشان می‌دهیم این طرح از طرحی اقتصادی به ابزاری در ژئوپلیتیک در راستای منافع راهبردی چین در جنوب آسیا تبدیل شده است. وابستگی مالی پاکستان به چین، توسعه زیرساخت‌ها در مناطق مورد مناقشه، و حضور پررنگ شرکت‌های امنیتی چینی در خاک پاکستان، ازجمله مصادیق این روند است. افزون‌بر این، در تحلیل مقاله نشان داده‌ایم که ضعف هویت ملی در پاکستان و واکنش رقابتی منطقه‌ای، نظیر هند، چالش‌های مهمی را در مسیر تحقق اهداف اولیه CPEC ایجاد کرده است.

ارجاع به این مقاله: حافظنیا مر، اگنیو ج، ملکشاهی مر، احمدی مش، فورتنک م. (۱۴۰۵). «دالان اقتصادی
چین- پاکستان (CPEC): پیوندی میان ژئواقتصاد و ژئوپلیتیک در جنوب آسیا». مطالعات کشورها. ۴(۱): ۳۱-
۶۷. doi: <https://doi.org/10.22059/jcountst.2025.398142.1316>



وبگاه: <https://jcountst.ut.ac.ir> | رایانامه: jcountst@ut.ac.ir
شاپای الکترونیکی: ۹۱۹۳-۲۹۸۰ | ناشر: دانشگاه تهران

* نویسنده مسئول: ✉ m.malekshahi@modares.ac.ir <https://orcid.org/0009-0006-4985-0462>

۱. مقدمه

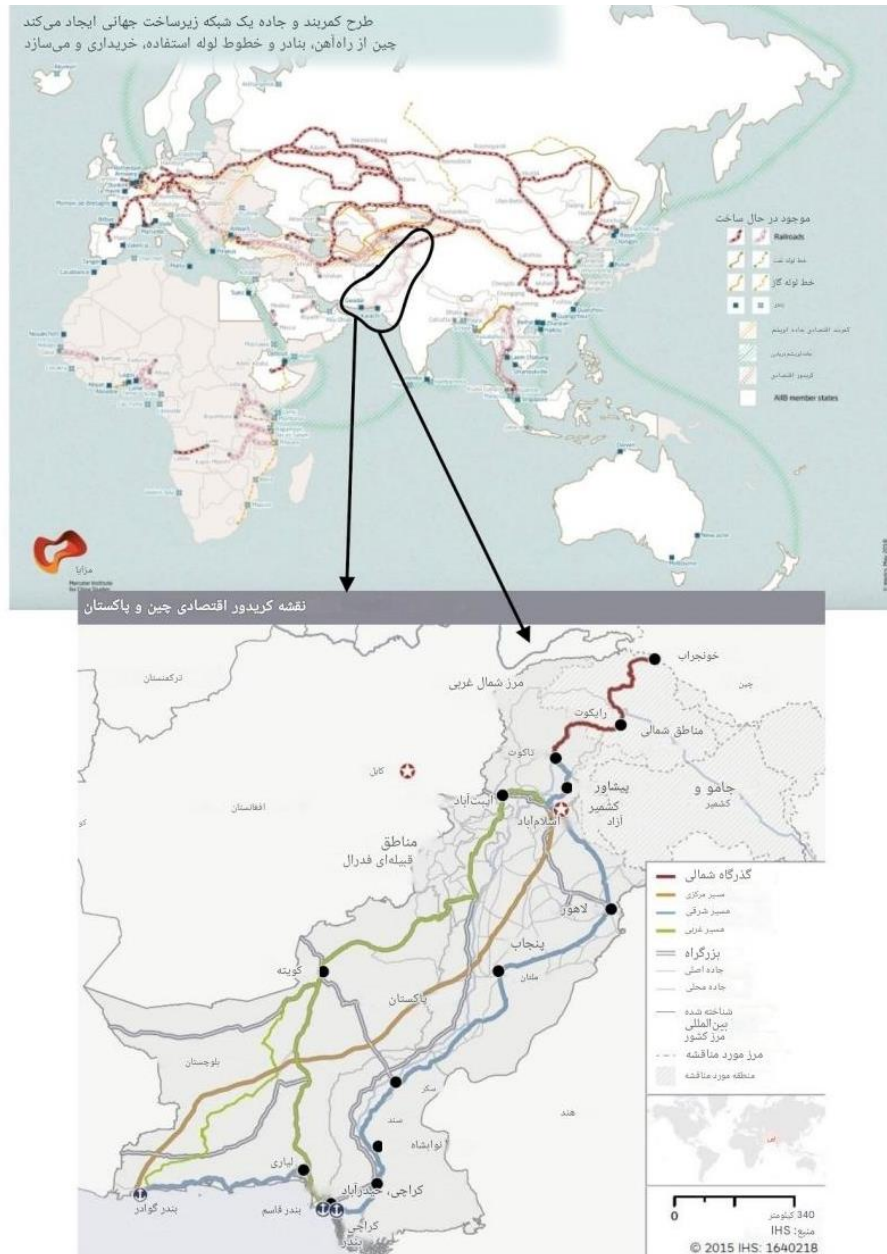
روابط پاکستان و چین در قرن ۲۱م یکی از پایدارترین و راهبردی‌ترین شراکت‌های دوجانبه در روابط بین‌الملل معاصر شناخته می‌شود. این اتحاد که غالباً با عناوینی چون «همسایگان تمام عیار»^۱ و «برادران آهنین»^۲ توصیف می‌شود، در اعتماد متقابل، منافع مشترک و نزدیکی جغرافیایی ریشه دارد و به مرور زمان، با انطباق بر چالش‌ها و فرصت‌های قرن ۲۱م، به‌طور قابل‌توجهی تکامل یافته است (Ahmad et al., 2024). دالان اقتصادی چین-پاکستان (CPEC)^۳، در قالب طرح جهانی «بتکار کمر بند و راه» (BRI)^۴، یکی از مهم‌ترین طرح‌های زیربنایی و راهبردی در قرن حاضر به‌شمار می‌رود. با این طرح، با اتصال استان سین‌کیانگ چین به بندر گوادر پاکستان، مسیر حمل‌ونقل کالا و انرژی از آب‌های گرم اقیانوس هند تا قلب آسیای مرکزی فراهم می‌شود.

این ابرطرح، نخست با اهداف بیشتر اقتصادی تعریف شد؛ نظیر گسترش زیرساخت‌های حمل‌ونقل و انرژی، تسهیل تجارت و اتصال مناطق غربی چین به آب‌های گرم اقیانوس هند (بندر راهبردی گوادر)؛ و به سرعت ابعاد و پیچیدگی‌های ژئوپلیتیکی (سیاست جغرافیایی)، امنیتی و اجتماعی گسترده‌ای را آشکار ساخت. اهمیت CPEC تنها به تأثیرهای آن بر اقتصاد و توسعه منطقه‌ای محدود نمی‌شود، بلکه، به‌دلیل موقعیت راهبردی پاکستان در تقاطع مناطق مهم به‌لحاظ ژئوپلیتیکی (در جنوب، غرب و مرکز آسیا) و نقش چین در جایگاه قدرت نوظهور جهانی، تحلیل ابعاد پنهان و آشکار آن برای درک تحول‌های نظم منطقه‌ای و جهانی ضروری به‌نظر می‌رسد. این طرح نه‌تنها پویایی‌های داخلی پاکستان و روابط دوجانبه اسلام‌آباد و پکن را عمیقاً تحت تأثیر قرار داده است، بلکه چالش‌ها و فرصت‌های جدیدی را برای بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای، به‌ویژه در جنوب آسیا و اقیانوس هند، ایجاد کرده است.

اهمیت این پژوهش در بررسی پیوند متقابل ژئواقتصاد (ژئواکونومی) و ژئوپلیتیک در طرح CPEC نهفته است. در مطالعات پیشین، اغلب جنبه‌های اقتصادی یا امنیتی این طرح به‌طور جداگانه بررسی شده است، اما تعامل این دو حوزه و تأثیر آن بر نظم منطقه‌ای کمتر بررسی شده است. در این مقاله با تمرکز

1. Perfect Neighbor
2. Iron Brothers
3. China-Pakistan Economic Corridor
4. Belt and Road Initiative

بر این تعامل، به دنبال تحلیلی جامع از سازوکارها و پیامدهای CPEC در چارچوب ژئواقتصاد و ژئوپلیتیک بوده ایم.



شکل ۱. نقشه «ابتکار کمربند و راه»، با برجسته سازی دالان CPEC (Mardell, 2020)

هدف اصلی این مقاله، بررسی نقش طرح CPEC در بازتعریف نظم ژئوپلیتیکی در جنوب آسیا با تأکید بر ابعاد ژئواقتصادی و ژئوپلیتیکی آن است. پرسش اصلی پژوهش این است: چگونه طرح CPEC، در کنار اهداف اقتصادی خود، به ابزاری برای تغییر نظم ژئوپلیتیکی منطقه تبدیل شده است؟ طی پاسخ به این پرسش، به تحلیل چگونگی تأثیرگذاری طرح بر معادله‌های قدرت منطقه‌ای پرداخته‌ایم.

۲. پیشینه

دالان اقتصادی چین و پاکستان (CPEC) طی سال‌های اخیر به یکی از محورهای مهم مطالعات ژئوپلیتیکی و ژئواقتصادی در منطقه جنوب آسیا تبدیل شده است. با توجه به نقش چندوجهی این طرح در توسعه اقتصادی، تحول‌های سیاسی و تغییر توازن ژئوپلیتیکی، پژوهشگران مختلف تلاش کرده‌اند ابعاد متنوع آن را واکاوی کنند. با این حال، در بخش مهمی از مطالعات انجام‌شده یا نگاهی توسعه‌گرا و اقتصادی دنبال شده یا صرفاً از منظر امنیتی و سیاست خارجی دولت‌ها به طرح نگریسته شده است، و در کمتر پژوهشی به پیوند درونی و نظری بین ژئواقتصاد و ژئوپلیتیک در قالب طرح CPEC پرداخته شده است. در این بخش به برخی پژوهش‌های کلیدی اشاره می‌کنیم که در هر یک از منظر متفاوتی به موضوع نگریسته شده است (جدول ۱).

جدول ۱. پژوهش‌های کلیدی درباره ژئواقتصاد و ژئوپلیتیک در قالب طرح CPEC

نویسندگان	نتایج
متقی و امامی (۱۴۰۲)	رهنامه (دکترین) رشته مروارید چین بخشی از ابتکار کمربند و راه است. چین از طریق آن به دنبال نفوذ در اقیانوس هند و آرام است. هدف این رهنامه گسترش بنادر راهبردی است، از جمله بندر گوادر در پاکستان و هامبانتوتا در سریلانکا. امنیت انرژی و تجارت دریایی از اولویت‌های این طرح است. در این مقاله سرمایه‌گذاری هند در بندر چابهار ایران برای مقابله با نفوذ چین در این حوزه بررسی و همکاری با کواد ^۱ نیز نمونه‌ای دیگر از تلاش هند برای مقابله با چین عنوان شده است. رقابت در این پهنه‌های عظیم آبی به قطب‌بندی‌های منطقه‌ای منجر شده است. همکاری منطقه‌ای و جهانی برای کاهش تنش ضروری است.
Moazzam & Sajjad	دالان اقتصادی چین - پاکستان و بندر گوادر بخش‌های کلیدی ابتکار کمربند و

1. Quad

نویسندگان	نتایج
(2025)	راه هستند. رقابت فزاینده با قدرت‌هایی مانند آمریکا و هند چالش‌های متعددی را برای پایداری این طرح فراهم کرده است. منافع این دو کشور با چین در اقیانوس هند و آرام تلاقی پیدا می‌کند. در این مقاله تأکید می‌شود که رفتار تهاجمی چین نگرانی‌هایی برای آمریکا پدید آورده است. هدف چین به‌چالش کشیدن نظم تحت رهبری آمریکا و تقویت نیروی دریایی خود برای تسلط بر منطقه است. در این میان هند، با حفظ خودمختاری راهبردی، به‌دنبال برقراری توازن میان چین و آمریکاست. رقابت کشورها در منطقه اقیانوس هند و آرام در حال تبدیل شدن به رقابتی مانند جنگ سرد است. سرمایه‌گذاری در دالان چین- پاکستان بیش از ۶۰ میلیارد دلار است که سودمندی متقابلی برای هر دو کشور چین و پاکستان به‌همراه دارد.
Aman & Yaseen (2025)	در این مقاله، مشارکت راهبردی چین و پاکستان برای ژئوپلیتیک منطقه بسیار ارزشمند دانسته شده است. این رابطه بر پایه منافع مشترک در مقابله با بی‌ثباتی منطقه‌ای و تقویت همکاری به‌سمت تقابل با نفوذ هند در جنوب غرب آسیا هدایت می‌شود. تسلط چین بر بندر گوادر دسترسی به دریای عرب و دورزدن تنگه مالاکا، و در نتیجه تسری همکاری در ابعاد فرهنگی و آموزشی توسعه محلی پایدار را برای چین فراهم می‌کند. همچنین، روابط مردم با مردم تقویت می‌شود.
Siddique (2022)	در این کتاب ذکر شده است پیوند تمدنی بین چین و پاکستان به قرن ۷م بازمی‌گردد. این روابط در قرن ۲۱م با طرح‌هایی مانند دالان اقتصادی چین- پاکستان و بانک زیرساخت آسیایی گسترش یافت. در این کتاب، از روابط اقتصادی به‌منزله ستون اصلی همکاری میان این دو کشور یاد شده است. از زمای امضای توافق تجارت آزاد چین و پاکستان در سال ۲۰۰۷م، تجارت دوجانبه ۲۴۲ درصد رشد کرد. دالان اقتصادی چین- پاکستان زیرساخت‌های متعدد حمل‌ونقل تا انرژی را شامل می‌شود. در این کتاب بیان شده است که روابط چین و پاکستان ماهیتی راهبردی دارد و در سال‌های اخیر ماهیتی چندوجهی گرفته و همکای آموزشی، فرهنگی و نظامی نیز نقش پررنگ‌تری یافته است. روابط این دو کشور برای کل منطقه و جهان اهمیت دارد.

۳. روش‌شناسی

این پژوهش با استفاده از روش کیفی و رویکرد روندپژوهی انجام شده است. با توجه به اینکه طرح دالان اقتصادی چین- پاکستان (CPEC)، با گذشت زمان در ژئواقتصاد و ژئوپلیتیک تحول‌هایی را پشت سر گذاشته است، رویکرد روندپژوهی، به‌دلیل فراهم‌آوردن توان تحلیل فرایندهای پیچیده و چندبعدی انتخاب شد. این

روش امکان بررسی تغییرات تدریجی، شناسایی الگوهای تکرارشونده، و تحلیل روابط متقابل میان عوامل اقتصادی، سیاسی و اجتماعی را فراهم می‌کند. داده‌های پژوهش از طریق تحلیل محتوای اسنادی گردآوری شده است، شامل بررسی اسناد معتبر مانند گزارش‌های سازمان‌های بین‌المللی (۷ گزارش از نهادهایی مانند بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول)، مقالات علمی منتشرشده در پایگاه‌های معتبر (۱۴ مقاله و کتاب علمی در ISI و Scopus)، و گزارش‌های خبری و میدانی (۳۱ مورد).

دلیل انتخاب روش کیفی در این پژوهش، ماهیت پیچیده و چندلایه پدیده مورد مطالعه (CPEC) است که متغیرهای آن صرفاً از طریق داده‌های کمی سنجش‌پذیر نیست و نیازمند درک عمیق‌تری از منطق راهبردی، ساختار قدرت و کنش بازیگران در سطوح مختلف تحلیلی است. برای اعتبارسنجی داده‌ها، از تطبیق منابع متنوع، تحلیل متون به‌روز و معتبر و ارجاع به اسناد بین‌المللی استفاده شده و تلاش شده است تا تحلیل‌ها از سوگیری‌های شخصی و تفسیری فاصله بگیرد.

۴. مبانی نظری و چارچوب مفهومی

۱.۴. ژئواقتصادی

اصطلاح ژئواقتصاد (ژئوکونومی)^۱ را نخستین‌بار ادوارد لوتواک در اوایل دهه ۱۹۹۰م مطرح کرد. او بر این باور بود که پس از پایان جنگ سرد، کشورها برای افزایش نفوذ و اعمال قدرت، دیگر الزاماً به ابزارهای نظامی متوسل نمی‌شوند، بلکه از ابزارهای اقتصادی مانند سرمایه‌گذاری خارجی، تجارت دوجانبه، تحریم اقتصادی و حمایت‌های مالی استفاده می‌کنند (Luttwak, 1990). در واقع، ژئواقتصاد مفهومی است که به پیوند ابزارهای اقتصادی با اهداف ژئوپلیتیکی اشاره دارد. به عبارت دیگر، در ژئواقتصاد ابزارهای نرم اقتصادی مانند سرمایه‌گذاری، تجارت، انرژی و وام‌های خارجی، جای ابزارهای سخت نظامی را برای اعمال قدرت در عرصه بین‌المللی می‌گیرد (Blackwill & Harris, 2016: 43). در این چارچوب، دولت‌ها با بهره‌گیری از قدرت اقتصادی به دنبال کسب نفوذ سیاسی و کنترل فضایی هستند.

در چارچوب ژئواقتصاد، کشورهایی مانند چین تلاش می‌کنند با دادن وام،

1. geoeconomics

احداث زیرساخت، و ایجاد وابستگی‌های مالی و مهندسی تجارت دوجانبه، منافع راهبردی خود را در قالب همکاری‌های اقتصادی پیش ببرند. طرح CPEC دقیقاً در همین چارچوب تحلیل می‌شود؛ چین با اعطای وام‌های سنگین، ساخت طرح‌ها به‌دست شرکت‌های خود، استفاده از نیروی کار چینی و مدیریت طرح‌ها، علاوه‌بر منافع اقتصادی، در حال تحکیم نفوذ ژئوپلیتیکی در پاکستان است (Garlick, 2018).

۲.۴. ژئوپلیتیک

تاکنون، از ژئوپلیتیک تعاریف متعددی شده است. اما نکته کلیدی، مخرج‌مشرکی است که در ارتباط کنش متقابل جغرافیا در سطوح مختلف با سیاست در شکل مناسبات قدرت وجود دارد؛ بدین‌سان که قلمروهای جغرافیایی، به‌تناسب موقعیت و محتوایی که دارند، در معنادهی به‌الگوهای رفتاری واحدهای سیاسی نقش ایفا می‌کنند و به هویت‌ها و روندهای نواحی سمت‌وسو می‌دهند. در ژئوپلیتیک، مطالعه متقابل سیاست یا قدرت و جغرافیا در قالب مکان، فضا و قلمرو دنبال می‌شود و این مناسبت‌ها در قالب هم‌زیستی، رقابت، تنش و جنگ، در مرکز پژوهش‌های ژئوپلیتیکی قرار دارد (حافظنیا، ۱۳۹۷: ۸۴-۸۷).

در واقع، ژئوپلیتیک به‌طور سنتی به رابطه میان قدرت سیاسی و فضاهای جغرافیایی اطلاق می‌شود و با استفاده از آن به دنبال آن هستیم که چگونه جغرافیا بر رفتار دولت‌ها، شکل‌گیری اتحادها، و رقابت‌های بین‌المللی تأثیر می‌گذارد (Flint, 2011: 101-103).

۳.۴. دالان

دالان (کریدور)^۱ به‌معنای مسیری فیزیکی و راهبردی است که برای اتصال نقاط مختلف جغرافیایی به‌منظور تسهیل جریان کالا، خدمات، سرمایه یا انرژی طراحی می‌شود. در متون جغرافیای سیاسی، دالان نه فقط مسیر ترابری، بلکه نوعی ساختار فضایی و قدرت‌محور محسوب می‌شود که توازن جغرافیای سیاسی مناطق را تغییر می‌دهد (Rodrigue, 2020: 87-90).

۴.۴. تبیین نظری پیوند ژئواقتصادی و ژئوپلیتیک در CPEC

در متون روابط بین‌الملل و جغرافیای سیاسی، مفاهیم ژئواقتصادی و ژئوپلیتیک

1. corridor

دو رویکرد تحلیلی مکمل و در برخی موارد متضاد در تبیین منطق قدرت در نظام جهانی شناخته می‌شوند. ژئوپلیتیک ناظر بر بهره‌گیری از مؤلفه‌های فضایی و جغرافیایی برای تأمین امنیت و اقتدار دولت‌هاست، در حالی که ژئواقتصاد به استفاده از ابزارهای اقتصادی با هدف تحقق اهداف سیاسی و راهبردی اشاره دارد (Luttwak, 1990: 18). این دو رویکرد، با وجود تمایز مفهومی، در عمل پیوندی درهم‌تنیده دارند و اغلب به‌گونه‌ای پویا یکدیگر را تکمیل و تقویت می‌کنند.

رابرت کاپلان در کتاب *انتقام جغرافیا*، استدلال می‌کند که جغرافیا صرفاً بستری ایستا نیست، بلکه مجموعه‌ای از متغیرهای پویاست که به‌طور مستمر بر سیاست، اقتصاد و امنیت ملت‌ها تأثیر می‌گذارند (Kaplan, 2012). از این منظر، ژئواقتصاد ابزاری مؤثر برای بازتعریف معادله‌های ژئوپلیتیکی عمل می‌کند؛ به‌گونه‌ای که رقابت‌های اقتصادی، سرمایه‌گذاری‌های خارجی و توسعه زیرساختی، زمینه‌ساز گسترش نفوذ و تغییر در موازنه‌های قدرت منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای شود.

در این چارچوب، طرح دالان اقتصادی چین - پاکستان (CPEC) را می‌توان نمونه‌ای برجسته از تلاقی ژئواقتصاد و ژئوپلیتیک دانست؛ طرحی که در آن اهداف اقتصادی و راهبردی به‌طور هم‌زمان و هماهنگ دنبال می‌شود. از منظر دولت چین، CPEC صرفاً طرحی اقتصادی نیست، بلکه ابزاری راهبردی برای کاهش وابستگی به مسیرهای سنتی مانند تنگهٔ مالاکا، دستیابی به آب‌های گرم اقیانوس هند، و گسترش نفوذ در جنوب و غرب آسیا به‌شمار می‌رود.

بر این اساس، CPEC نمونه‌ای از منطق ژئواقتصادی است در خدمت اهداف ژئوپلیتیکی؛ تجلی بهره‌گیری از قدرت نرم اقتصادی در راستای تحقق منافع سخت امنیتی و راهبردی.

۵.۴. جغرافیای راهبردی طرح CPEC

جغرافیای راهبردی به مطالعهٔ جغرافیای فضاهایی اطلاق می‌شود که در شکل‌دهی به رقابت‌های قدرت و امنیت بازیگران نقشی حساس دارند. در جغرافیای راهبردی، موقعیت‌ها، مناطق و مسیرهایی بررسی می‌شود که تسلط و یا دسترسی به آن‌ها برای برتری اقتصادی و نظامی راهگشاست. مفاهیم کلیدی در جغرافیای راهبردی نقاط و گلوگاه‌های راهبردی (مانند تنگهٔ مالاکا و هرمز، خطوط حیاتی تجارت و انرژی، پایگاه‌های دریایی و بنادر راهبردی)، و جایگزین‌سازی مسیرها برای کاهش آسیب‌پذیری است. از نگاه اس‌گری، جغرافیای راهبردی فضایی برای بروز رقابت، کاربست و تسلط قدرت است (Gray, 1988).

یکی از اهداف کلیدی چین در ابتکار کمربند و راه، گسترش نفوذ و تأثیرگذاری در اقیانوس هند و آرام است. این طرح عبارت است از بررسی کمربند اقتصادی جاده ابریشم و مسیر ابریشم دریایی. این طرح بالقوه ۶۵ کشور جهان، بیش از ۴ میلیارد نفر از جمعیت جهان، ۵۵ درصد از تولید ناخالص ملی و حدود ۳۹ درصد از جمعیت جهان را شامل می‌شود. همچنین، تخمین زده می‌شود که ۷۵ درصد از ذخایر انرژی شناخته‌شده جهان در این دالان جای دارد (Grieger, 2016: 4).

کمربند اقتصادی شش دالان را در بر می‌گیرد. دالان اقتصادی چین - پاکستان (CPEC) یکی از مهم‌ترین این مسیرهاست. چین در این دالان، به‌دنبال تسلط بر ژئوپلیتیک و دسترسی به اقیانوس هند از طریق بندر گوادر است. در این بندر، چین با سلسله اقدام‌هایی چون ساخت بنادر و ایجاد زیرساخت، در راستای رویای چین قوی، بزرگ و متمدن عمل می‌کند. در مقابل، هند نیز به‌شدت در مقابل این اهداف ایستادگی می‌کند. نخستین اقدام هند ایجاد جناحی تحلیلی و تخصصی به نام «شاخه تحقیق و تحلیل» (RAW)^۱ بود. هند این دالان را برخلاف منافع ملی خود می‌داند و عبور این مسیر از منطقه مورد مناقشه کشمیر، بسیار با مخالفت هند همراه بوده است. هند نیز برای تثبیت حضور خود در اقیانوس هند، به‌دنبال دسترسی به بندر چابهار در ایران است. این بندر شرایط دسترسی به مرکز آسیا، افغانستان و اروپا را بدون عبور از پاکستان برای هند فراهم می‌کند. این بندر برای هند حیاتی است و از تحریم‌های آمریکا به همین سبب معاف است. در سطوح کلان، هند به‌دنبال تحکیم ائتلاف‌های راهبردی با آمریکا، ژاپن و استرالیا در قالب ساختار کواد است. آمریکا نیز به اهمیت ژئوپلیتیکی هند برای مهار چین اذعان دارد و در بستر راهبرد ایالات متحده، با عنوان چرخش به آسیا، در دوران اوباما آغاز و در زمان ترامپ تقویت شد (متقی و امامی، ۱۴۰۲: ۸۶-۱۰۷).

این سطح کلان با نقش آمریکا در رقابت با چین پررنگ‌تر می‌شود. در سند راهبرد امنیت ملی آمریکا در سال ۲۰۱۷م، برای نخستین بار از واژه هند-پاسفیک، به‌جای آسیا-پاسفیک استفاده شده است. حوزه هند-پاسفیک از سواحل غربی هند آغاز و تا سواحل غربی آمریکا در اقیانوس آرام امتداد دارد. در این سند عنوان شده است که چین می‌خواهد قدرت جایگزین آمریکا در حوزه هند-پاسفیک باشد و رقابت با چین در این منطقه رو به گسترش است (اشرفی و شیخ‌الاسلامی،

۱۴۰۲: ۱۳۲-۱۴۰). ویژگی مهم ژئوپلیتیکی در حوزه آسیا-پاسفیک، بعد دریایی آن است. به دلیل برتری مسیرهای دریایی در انتقال کالا، کشورهای این منطقه برای حضور در عرصه تجارت بین‌الملل موقعیت مطلوبی دارند. اهمیت اقتصادی، امنیتی و جغرافیایی این پهنه آبی، آمریکا را ناگزیر کرده است از منافع راهبردی خود از طریق همکاری با هم‌پیمانان محافظت کند. منطقه آسیا-پاسفیک مهم‌ترین منطقه کنونی بر کره زمین، و محرک اساسی امنیت و رفاه آینده آمریکاست. از نگاه آمریکا، چین به دنبال هژمونی منطقه‌ای در کوتاه‌مدت و برتری جهانی در بلندمدت است (قادری حاجت و احمدی دوازده امامی، ۱۴۰۳: ۵۸-۶۰).

طرح راه ابریشم دریایی برای چین، ایجاد تحولی اساسی در تجارت دریایی از جنوب شرق آسیا تا آفریقا و اروپاست. پکن بر جنبه اقتصادی این مسیر تأکید دارد؛ اما، ناظران معتقدند که چین در وهله نخست، به دنبال اهداف راهبردی خود است. بیشتر سرمایه‌گذاری‌های هند در امتداد سواحل اقیانوس هند و آرام انجام می‌گیرد. در این مناطق هر ۱۰ بندر پرتردد جهان قرار دارد. مسیر دریایی ابتکار کمربند و راه از جنوب چین آغاز و از تنگه مالاکا می‌گذرد؛ نقطه‌ای که بیشتر تجارت و انرژی چین از آن جریان دارد؛ و پس از عبور از اقیانوس هند، به قاره آفریقا و کشور کنیا وارد می‌شود. این مسیر با عبور از سریلانکا از طریق خلیج عدن و دریایی سرخ به شاخ آفریقا می‌رسد و از دریای سیاه به یونان و در نهایت به ونیز ایتالیا ختم می‌شود و به ابریشم خشکی می‌پیوندد (عابدینی و همکاران، ۱۴۰۱: ۹۹-۱۰۱).

آخرین مؤلفه مهم در جغرافیای راهبردی درباره ابتکار کمربند و راه، و به‌طور خاص، دالان اقتصادی چین-پاکستان، امنیت انرژی است. پیوند امنیت انرژی با امنیت ملی ممکن است باعث درگیری و منازعه در سطح جهان شود. امنیت انرژی در تعریف روشن آن، مدیریت بی‌وقفه عرضه مداوم و دسترسی به انرژی در کشور یا منطقه است. ارزش اقتصادی منابع انرژی که همچون مواهب طبیعی در کشورهای مختلف پراکنده است، جنگ بر سر منابع را موجب می‌شود. امنیت انرژی در لایه‌های زیرین خود تشکیل سبدهای انرژی، مذاکره‌های بین‌المللی و انتقال انرژی و نظایر آن را شامل می‌شود (فریادرس و ملکی، ۱۴۰۲: ۵۱۶-۵۳۵).



شکل ۲. نقشه راه ابریشم دریایی قرن ۲۱م (Léautier et al., 2015)

چین در جایگاه دومین اقتصاد برتر جهانی بسیار به واردات انرژی وابسته است. بیش از ۸۰ درصد از واردات انرژی چین از تنگه مالاکا انجام می‌شود و برای چین جایگاهی راهبردی و حیاتی دارد. چین به واسطه این ابتکار به دنبال کاهش وابستگی به تنگه مالاکا و جایگزینی برای این مسیر است. مسیر CPEC، مسیری کوتاه‌تر، سریع‌تر و کنترل‌پذیرتر است. امنیت انرژی برای چین به مسائل ژئوپلیتیکی محدود نیست و از حیث داخلی نیز برای چین مهم است. استان سین‌کیانگ که نقطه شروع دالان است، منطقه‌ای پرتنش محسوب می‌شود. رشد اقتصادی از طریق اتصال به منابع انرژی و بازار خارجی، راهی برای کنترل نارضایتی در این استان است. با تکمیل دالان، گوادر، به علت نزدیکی با خلیج فارس و تنگه هرمز، به مرکز انتقال و ذخیره‌سازی انرژی برای چین تبدیل خواهد شد. این بندر در مسیر انتقال انرژی برای چین نقشی راهبردی دارد (Hussain, 2021: 3-21).

چین با ابتکار کمربند و راه، اهداف بزرگی را در زمینه رشد اقتصادی دنبال می‌کند، به خصوص در امنیت انرژی، گسترش حوزه نفوذ و تأثیرگذاری در مناطق مختلف، دسترسی به بازارهای جهانی و نیز ایجاد راه‌های ارتباطی و حمل‌ونقل مقرون به صرفه‌تر. در این ایده، نزدیک کردن نقاط مختلف کره زمین به سوی کشور

چین دنبال می‌شود. راهبردشناسان چینی با دید وسیع ژئوپلیتیکی به جهان می‌نگرند و افزایش تجارت و حمل‌ونقل دریایی، تغییر چشم‌انداز نظام قدرت جهانی به نفع قدرت نوظهور چین و گسترش هم‌گرایی در اقتصاد بین‌الملل را دنبال می‌کنند (نورعلی و احمدی، ۱۴۰۱: ۱۱۷۲).

۵. یافته‌ها

۱.۵. تحلیل ژئواقتصادی طرح CPEC

۱.۱.۵. ساختار بدهی و وابستگی مالی؛ سود اقتصادی چین در برابر زیان ارزی پاکستان در تحلیل شرایط کشورهای پیرامونی، نظریه وابستگی کاردوسو و فالتو رویکردی متمایز محسوب می‌شود که توسعه را به‌طور مطلق نفی نمی‌کند، بلکه آن را در بستری از نابرابری ساختاری و هم‌پیمانی نخبگان داخلی با سرمایه خارجی تحقق‌پذیر می‌داند. به تعبیر آنان، «توسعه ممکن است واقعاً در اقتصادهای وابسته رخ دهد. باین‌حال، این نوع توسعه معمولاً محدود، دگرگون‌شده و انحصاری است. منافع آن بیشتر در میان نخبگان محلی و سرمایه خارجی متمرکز می‌شود، درحالی‌که بخش وسیعی از جمعیت، بدون تجربه دگرگونی ساختاری باقی می‌ماند» (Cardoso & Faletto, 1979).

نظریه کاردوسو و فالتو (ibid) چشم‌اندازی تحلیلی را فراهم می‌کند که نشان می‌دهد چگونه توسعه اقتصادی در بستر وابستگی ساختاری شکل می‌گیرد. پاکستان در دالان اقتصادی چین - پاکستان (CPEC)، پذیرای فناوری، زیرساخت و ظرفیت مدیریتی چین است. سرمایه‌گذاری خارجی، وام‌های ترجیحی، و ساخت بنادر، نیروگاه‌ها و شبکه‌های حمل‌ونقل به‌دست شرکت‌های چینی، نشان می‌دهد شکل‌گیری توسعه وابسته به قدرتی خارجی است. در چنین چارچوبی، توسعه ناشی از ابتکارهای خارجی، مانند CPEC، نیز اگرچه ممکن است برخی شاخص‌های رشد را بهبود بخشد، ممکن است واجد همان ویژگی‌های «شکنندگی، انحصارگرایی و فقدان تحول ساختاری» باشد که کاردوسو و فالتو در تحلیل توسعه وابسته به آن اشاره کرده‌اند.

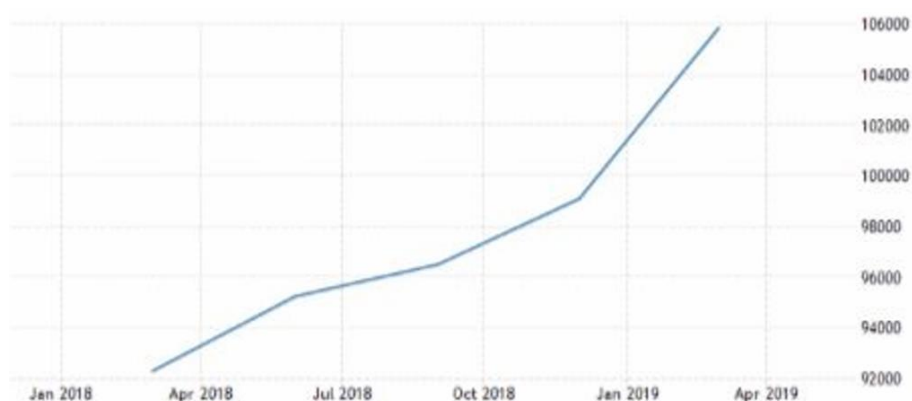
یکی از ابعاد مهم ژئواقتصادی طرح CPEC، ساختار بدهی آن است که در عمل به سود اقتصاد بلندمدت چین و به زیان ذخایر ارزی و توازن مالی پاکستان عمل می‌کند. بر اساس قراردادهای CPEC، چین پاکستان را ملزم می‌سازد بخش مهمی از نیروی کار، تجهیزات و مواد اولیه طرح‌ها را از خاک چین وارد کند. این رویه، پاکستان را ناگزیر می‌سازد برای تأمین هزینه‌ها از ذخایر ارزی خود استفاده

کند؛ امری که در سال ۲۰۱۸م به کاهش نزدیک به یک‌سوم از ذخایر ارزی این کشور منجر شد (Financial Times, 2018).

از آنجاکه بیشتر طرح‌های CPEC با واردات انجام می‌شود و صادرات متقابل چندانی از سوی پاکستان صورت نمی‌گیرد، این مدل کسری حساب جاری را افزایش می‌دهد. تداوم این روند، به تورم، کاهش ارزش روپیه، و بی‌ثباتی در بازار ارز منجر شده است. طبق داده‌ها، از سال ۲۰۱۴ تا ۲۰۱۹م، روپیه بیش از ۲۰ درصد از ارزش خود را نسبت به دلار آمریکا از دست داده است. افزایش وابستگی ارزی، خود به رشد بدهی‌های خارجی پاکستان دامن زده است (شکل‌های ۳ و ۴).

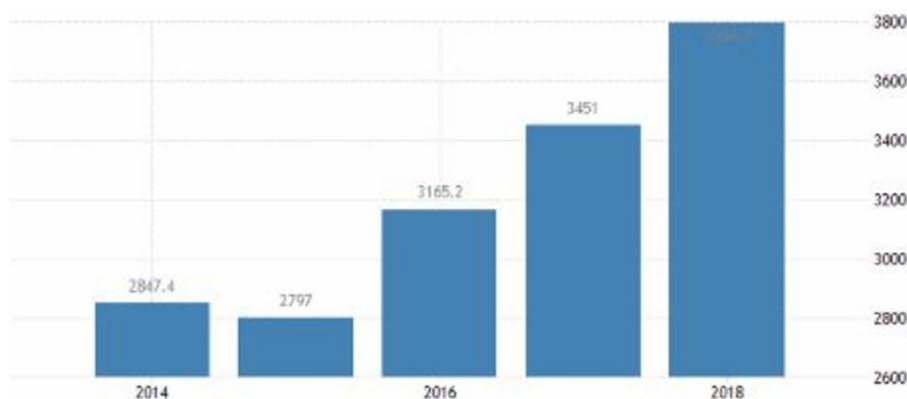


شکل ۳. بدهی خارجی پاکستان در مدت پنج سال، از ۲۰۱۴ تا ۲۰۱۸م، برحسب میلیون دلار (Trading Economics, 2019)



شکل ۴. بدهی خارجی پاکستان از ۲۰۱۸ تا ۲۰۱۹م برحسب میلیون دلار آمریکا (Trading Economics, 2019)

چرخه نگران کننده زمانی نمایان تر می شود که مشخص می شود چین با درصدهای بهره بالا به پاکستان وام می دهد؛ وام هایی که بیشتر برای بازپرداخت بدهی های گذشته CPEC صرف می شود. در حالی که نهادهایی مانند بانک جهانی بهره ۲ درصدی پیشنهاد می دهند، چین برای تقریباً دو سوم وام های CPEC، بهره ای بالغ بر ۷ درصد تعیین کرده است (Sharma, 2018). پاکستان، به دلیل ناتوانی در بازپرداخت این وام ها، در سال ۲۰۱۹م مجبور شد ۶ میلیارد دلار وام از صندوق بین المللی پول درخواست کند (Findlay & Bokhari, 2019). وام های صندوق بین المللی پول معمولاً با شرط هایی سختگیرانه مانند کاهش یارانه های دولتی، کاهش هزینه های عمومی و کاهش ارزش پول همراه است (Corbridge, 1993). این تعدیل های ساختاری، فشار مضاعفی بر قشر فقیر پاکستان وارد کرده و هزینه اجتماعی CPEC را افزایش داده است. با نزدیک شدن زمان سررسید اقساط جدید، پیش بینی می شود این چرخه توسعه مبتنی بر بدهی، به ویژه در سال های آتی، شدت بیشتری یابد (شکل ۵).



شکل ۵. سرمایه گذاری مستقیم خارجی در پاکستان در مدت پنج سال برحسب میلیون دلار امریکا (Trading Economics, 2019)

نکته کلیدی در مقایسه میان وام دهندگان این است که برخلاف نهادهای بین المللی، وام های چین فاقد شرط های شفاف حکمرانی و اصلاحات است. ساختار قراردادهای چینی به این کشور اجازه می دهد در صورت عدم بازپرداخت، بدهی را به سهام تبدیل کند و کنترل دارایی های راهبردی کشور میزبان را به دست گیرد. نمونه سنتی این رویکرد، واگذاری بندر هامبانتوتا در سریلانکا به چین در قالب اجاره بلندمدت است که هشدار برای کشورهای درگیر در طرح کمربند و راه، از جمله پاکستان، تلقی می شود (Sum, 2019).

۲.۱.۵. راهبرد بدهی- فضا: چین و ساخت حاکمیت ترکیبی در مناطق جغرافیای راهبردی یکی از ابعاد عمیق ژئواقتصادی چین در چارچوب طرح CPEC، استفاده از بدهی‌های دولتی همچون ابزاری برای تسلط فضایی و بازتعریف حاکمیت است. برخلاف وام‌دهندگان بین‌المللی سنتی که قراردادهای وام کامل و شفاف امضا می‌کنند، چین از قراردادهای ناقص بهره می‌گیرد تا در صورت ناتوانی طرف مقابل در بازپرداخت، حقوق حاکمیتی بیشتری را به تدریج در اختیار گیرد (Cooley & Spruyt, 2009:11). در این قراردادهای چلنه‌زنی با گذر زمان و با تغییر وضعیت بدهی‌ها تغییرپذیر است و چین می‌تواند در جریان مذاکرات مجدد، دست بالا را بگیرد.

نمونه آشکار این راهبرد در سریلانکا مشاهده شد؛ دولت سریلانکا با وجود هشدارهای داخلی درباره ناکارآمدی بندر هامبانتوتا، تحت فشار بدهی، در سال ۲۰۱۷م، کنترل ۸۵ درصد از سهام این بندر را به مدت ۹۹ سال به شرکت چینی COPHL واگذار کرد. این شرکت همان نهادی است که مسئولیت مدیریت بندر گوادر پاکستان را نیز بر عهده دارد (Abi-Habib, 2018). چین با این واگذاری نه تنها دسترسی به بندر آب‌های عمیق در نزدیکی هند را به دست آورد، بلکه حق استفاده از ۱۵۰۰۰ هکتار زمین را نیز برای مقاصد نظامی به دست گرفت. واکنش سریع هند به این معامله، شامل خرید فرودگاه راهبردی بلااستفاده‌ای در نزدیکی بندر، ارزش جغرافیای راهبردی این معامله را آشکار می‌کند (The Times of India, 2018).

تحلیلگران این روند را ناقص بودن راهبرد می‌نامند؛ مفهومی که نشان می‌دهد چین به عمد از قراردادهایی استفاده می‌کند که اجازه اعمال فشار بیشتر و تصرف عملی حقوق فضایی و اقتصادی را در جریان بازپرداخت بدهی‌ها فراهم می‌سازد (Cooley & Spruyt, 2009: 10). دقیقاً به همین شیوه، در طرح CPEC نیز نشانه‌هایی از استفاده از استقراض به منظور افزایش نفوذ جغرافیای راهبردی مشاهده می‌شود؛ چین از این بدهی‌ها همچون اهرم برای تثبیت حاکمیت ترکیبی در پاکستان استفاده می‌کند، به ویژه در مناطق راهبردی مانند گوادر، کشمیر، و مناطق ویژه اقتصادی.

در مقایسه با نمونه‌های تاریخی در دوران پساستعماری، مانند توافقنامه‌های اوپان فرانسه در الجزایر که حق اکتشاف نفت و استفاده از پایگاه نظامی را پس از استقلال برای پاریس حفظ کرد، چین مدل پیچیده‌تری از وابستگی فضایی ایجاد

کرده است (ibid: 57). اما، برخلاف ایالات متحده که در ازای استقرار پایگاه نظامی به کشورهای میزبان غرامت مستقیم پرداخت می‌کند، چین از سازوکار وام-بدهی بدون شفافیت بهره می‌گیرد. این مدل باعث می‌شود کشورهای میزبان در عمل، گزینه‌ای جز واگذاری دارایی راهبردی نداشته باشند، همان‌گونه که در سریلانکا رخ داد.

از این منظر، پاکستان بدهکار نه فقط شریکی اقتصادی، بلکه دارای جغرافیای راهبردی برای چین محسوب می‌شود که امکان گسترش نفوذ در اقیانوس هند، مهار رقیب منطقه‌ای یعنی هند، و استقرار غیرمستقیم قدرت نظامی در سواحل جنوب آسیا را فراهم می‌سازد (Garlick, 2018). به همین دلیل است که بسیاری از تحلیلگران، CPEC را نه تنها طرحی اقتصادی، بلکه طرحی بازآفریننده استعمار نوین در قالب ژئواقتصادی می‌دانند.

۳.۱.۵. بحران بدهی داخلی چین و انتقال ته‌اجمی ظرفیت مازاد به پاکستان از طریق CPEC

یکی از انگیزه‌های پنهان اما راهبردی چین در اجرای طرح CPEC، تلاش برای کاهش فشارهای ناشی از بحران بدهی داخلی و ظرفیت مازاد تولیدی در داخل خاک خود است. چین در سال‌های اخیر با بدهی فزاینده‌ای مواجه بوده است که اکنون بیش از ۳۰۰ درصد از تولید ناخالص داخلی این کشور و حدود ۱۵ درصد از کل بدهی جهانی را تشکیل می‌دهد (Lee, 2019). تولید بیش از حد فولاد در چین، بخش عمده‌ای از بدهی‌های داخلی این کشور را تشکیل می‌دهد. ساخت‌وسازهای بیش از حد فولاد، بخش زیادی از رشد اقتصادی چین را تشکیل می‌دهد که در نسبت بسیار بالای تشکیل سرمایه ثابت ناخالص به تولید ناخالص داخلی چین مشهود است. این نسبت، سرمایه‌گذاری ثابت - یا پولی که صرف دارایی‌های ثابت مانند مسکن، ماشین‌آلات، تجهیزات و کارخانه‌ها می‌شود - را در مقایسه با تولید ناخالص داخلی اندازه‌گیری می‌کند. تشکیل سرمایه ثابت ناخالص چین، ۴۲ درصد از تولید ناخالص داخلی آن را تشکیل می‌دهد و پنجمین نسبت بالا در جهان است. در مقایسه، نسبت تشکیل سرمایه ثابت ناخالص به تولید ناخالص داخلی ایالات متحده ۲۱ درصد است (The World Bank, 2018).

برای پاسخ به بحران بدهی داخلی، دولت چین از سال ۲۰۰۸م به بعد، چندین بسته محرک اقتصادی عظیم اجرا کرده است؛ از جمله تزریق ۵۸۶ میلیارد دلار پس از بحران مالی جهانی (Barboza, 2008) و بسته‌های مشابه در سال‌های ۲۰۱۸ تا ۲۰۲۰م، شامل صدها میلیارد دلار وام کوتاه‌مدت و میان‌مدت

(Stevenson, 2019; China Central Bank, 2020). در نتیجه، نسبت ذخایر الزام‌آور بانک‌ها از ۱۸ درصد در سال ۲۰۱۵ به ۱۰ درصد در سال ۲۰۱۹ م کاهش یافته است (CEIC, 2020)، که نشان‌دهنده تلاش دولت برای تسهیل دسترسی به منابع اعتباری و مهار بحران است.

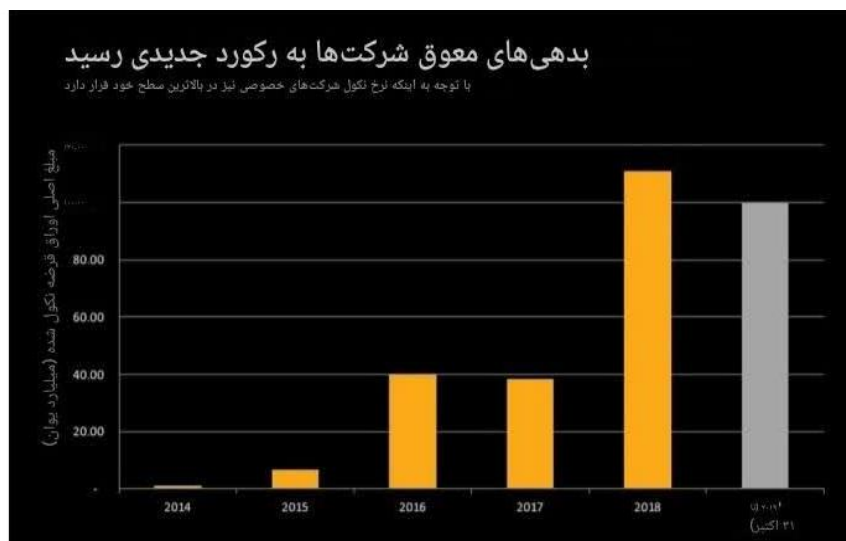


شکل ۶. ذخایر ارز خارجی چین از ۲۰۱۵ تا ۲۰۲۰ م بر حسب میلیون دلار آمریکا (China Foreign Exchange Reserves, 2020)

در کنار این سیاست‌ها، نکول بدهی‌های شرکت‌های دولتی و خصوصی به شدت افزایش یافته است. در سال ۲۰۱۹ م، نکول شرکت‌ها به رقم بی‌سابقه ۱۸.۶ میلیارد دلار آمریکا رسید و بیش از ۶۰ درصد این اوراق بدهی معوق در اختیار بانک‌های تجاری چین بود (Weinland, 2019; Sin & Galbraith, 2019). دولت‌های محلی نیز برای تأمین مالی طرح‌ها، به ابزارهایی نظیر نهادهای مالی دولت‌های محلی^۱ (LGFV) و سیستم بانکداری سایه روی آورده‌اند که خود به انباشت بیشتر بدهی انجامیده است (Sum, 2019).

در این شرایط، طرح‌هایی مانند CPEC کارکردی دوگانه دارند: از یک سو امکان استفاده از ظرفیت‌های صنعتی و بلااستفاده داخلی را فراهم می‌کنند؛ و از سوی دیگر، مسیرهای جغرافیای راهبردی جدیدی را برای نفوذ اقتصادی و سیاسی به سوی چین می‌گشایند. با انتقال مازاد فولاد، سیمان، نیروی انسانی و سرمایه به پاکستان، چین نه تنها بخشی از بحران اقتصادی داخلی خود را مدیریت می‌کند، بلکه حضور فضایی، امنیتی و سیاسی خود را نیز در جنوب آسیا تقویت می‌کند.

1. Local Government Financial Vehicles



شکل ۷. نکول بدهی شرکت در چین از ۲۰۱۴ تا ۳۱ اکتبر ۲۰۱۹ (Reuters, Oct 31, 2019)

به بیان روشن، CPEC برای چین نه صرفاً طرح توسعه‌ای خارجی، بلکه ابزار مدیریت بحران اقتصادی داخلی با پیامدهای جغرافیای راهبردی جهانی است.

۴.۱.۵. افزایش بین‌المللی‌سازی رزمینی با طرح CPEC

بین‌المللی‌سازی رزمینی^۱، با دالان CPEC افزایش خواهد یافت و از طریق مناطق آزاد تجاری، دسترسی به سرمایه خارجی برای چین فراهم خواهد شد. سرمایه‌گذاری نامتناسب چین در توسعه گوا در و ایجاد مناطق آزاد تجاری، نشان می‌دهد که چین امیدوار است از وام‌های CPEC برای بین‌المللی‌کردن یوان و کسب جایگاه جغرافیای راهبردی در منطقه اقیانوس هند استفاده کند. چین از مناطق آزاد تجاری برای توسعه مشاغل فرامرزی به منظور تسریع رشد اقتصادی داخلی و تقویت یوان استفاده می‌کند. مشاغل چینی که در خارج از مرزهای چین فعالیت می‌کنند، سرمایه‌های غیرمقیم را به چین جذب می‌کنند که به نوبه خود اقتصاد داخلی را تحریک می‌کند (IMI, 2016: 158). تا سال ۲۰۱۶م، چین ۱۸ منطقه آزاد تجاری در پنج قاره ایجاد کرده و به سرمایه‌های غیرمقیم در ۳۱ کشور و منطقه دسترسی پیدا کرده است (ibid, 159). منطقه آزاد گوا در یکی از این نمونه‌هاست که منبع مالی حیاتی فراساحلی را در اختیار چین قرار می‌دهد و

۱. RMB: واحد رسمی پول در چین

چین به سرمایه‌های غیرمقیم دسترسی می‌یابد و می‌تواند اقتصاد داخلی خود را با منابع مالی بین‌المللی تحریک کند.

هدف چین برای بین‌المللی کردن یوان از طریق CPEC در توافقنامه توسعه بندر و منطقه آزاد گوادر مشهود است. در این توافقنامه، پاکستان موافقت می‌کند که سیستم سیاست منطقه‌ای متشکل از سیاست‌های مالیاتی، زمین، گمرکی و اشتغال نیروی کار را توسعه دهد که به نفع منطقه آزاد بندر گوادر طراحی شده است (Pakistan Ministry, 2017)؛ یعنی، پاکستان به چین معافیت مالیاتی فروش برای ۲۳ سال آینده و معافیت‌های مالیاتی اضافی برای خریدهای محلی اعطا کرده است. پاکستان همچنین، موافقت می‌کند که از استفاده فرامرزی از یوان، همچنین سازوکار بازگشت یوان حمایت کند (Haider, 2019). علاوه بر این، پاکستان موافقت می‌کند که نیروهای امنیتی را برای محافظت از ساخت‌وساز، کارمندان و عملیات CPEC فراهم کند. هر دو کشور اذعان دارند که به اقدام‌های احتیاطی ایمنی دقیق‌تری در گوادر و منطقه آزاد گوادر نیاز هست. منطقه آزاد گوادر از نمونه منطقه آزاد تجاری آزمایشی چین (شانگهای) پیروی خواهد کرد و تجارت مالی فراساحلی با یوان را ترویج خواهد داد (Pakistan Ministry, 2017). چین و پاکستان برای تبدیل گوادر به بازار اقتصادی جدید، جذاب و پرسود برای سرمایه‌گذاران، مشوق‌های مالی می‌دهند، زیرساخت‌های حیاتی شهری را توسعه می‌دهند، فرودگاه بین‌المللی جدید گوادر را می‌سازند و ظرفیت بندر گوادر را گسترش می‌دهند (Haider, 2019). این طرح‌های زیرساختی همچنین با جذب ظرفیت اضافی مربوط به زیرساخت‌های چین، به چین کمک می‌کنند تا اقتصاد داخلی خود را تثبیت کند. به این ترتیب، وام‌های CPEC اساساً یارانه‌های غیرمستقیم به شرکت‌های چینی است. این شرکت‌ها بازاری برای صادرات چین فراهم و از رشد تولید ناخالص داخلی حمایت می‌کنند (Sum, 2019). بنابراین، با CPEC ظرفیت مازاد چین در صنایع فولاد، سیمان و آهن صرف می‌شود؛ رشد تولید ناخالص داخلی با امضای قرارداد به شرکت‌های دولتی حفظ می‌شود؛ دسترسی به منابع مالی فراساحلی و ترویج بین‌المللی‌سازی رنمینبی از طریق مناطق آزاد تجاری تأمین می‌شود؛ و جایگاه چین در مکان‌های کلیدی جغرافیای راهبردی به چین کمک می‌کند تا خطر اقتصادی داخلی خود را کاهش دهد.

۵.۱.۵. فضاهای جغرافیای راهبردی و منابع طبیعی همچون وثیقه‌ای برای وام‌های CPEC
پاکستان قادر به بازپرداخت وام‌های CPEC نیست؛ به این معنا که چین به دنبال

بازپرداخت غیرپولی برای سرمایه‌گذاری خود خواهد بود. اقدام‌های چین در سریلانکا نشان می‌دهد که اگر کشور میزبان قادر به پرداخت وام نباشد، چین از طریق اجاره بلندمدت زیرساخت‌های ساخته‌شده و املاک و مستغلات اطراف آن در کشور میزبان، غرامت را خواهد پذیرفت. سرمایه‌گذاری نامتناسب چین در بندر گوادر نشان می‌دهد که چین احتمالاً همین راهبرد را در پاکستان برای به‌دست‌آوردن کنترل بر فضای جغرافیای راهبردی حیاتی در نزدیکی خلیج عمان دنبال خواهد کرد.

۶.۱.۵. مزیت‌های CPEC برای پاکستان

از منظر ملی، CPEC مزایای قابل‌توجهی برای پاکستان به‌همراه داشته است. این مزایا عبارت است از توسعه زیرساخت‌هایی نظیر احداث جاده، بزرگراه، راه‌آهن، فرودگاه و نیروگاه برق که به جبران کمبود برق ۵۰۰۰ مگاواتی کمک کرده است. همچنین، جذب سرمایه‌گذاری بیش از ۶۰ میلیارد دلار، ایجاد نزدیک به ۲ میلیون شغل و رشد GDP، به‌ویژه در مناطق محروم مانند بلوچستان و گلگت-بلتستان، از دیگر آثار اقتصادی این طرح است. از نظر ژئوپلیتیکی نیز CPEC پاکستان را به مرکز بین‌المللی حمل‌ونقل منطقه‌ای تبدیل می‌کند و نقش آن را در اتصال چین به آسیای مرکزی، غرب آسیا و اروپا تقویت کرده است. افزون‌بر آن، این طرح لبزاری برای حفظ توازن ژئوپلیتیکی پاکستان در برابر هند محسوب می‌شود (Khan & Bukhari, 2024: 20-28).

۲.۵. تحلیل طرح CPEC از منظر ژئوپلیتیکی

۱.۲.۵. مناسب نبودن CPEC برای ایجاد مسیر تجارت زمینی بر پایه تنگناها

در ظاهر، CPEC مسیری را برای چین به اقیانوس هند فراهم می‌کند که جایگزین تنگه مالاکا-گلوگاه دریایی حیاتی تحت کنترل سنگاپور، مالزی و اندونزی-است و ۸۰ درصد از منابع انرژی چین از این طریق عبور خواهد کرد (Garlick, 2018). با این حال، جای تردید است که CPEC مسیر تجاری زمینی مناسبی فراهم کند، زیرا بزرگراه قراقرم (KKH)^۱، تنها ارتباط زمینی چین با پاکستان، و بندر آب‌های عمیق گوادر، به‌شدت در برابر خطرهای زمین‌شناسی و ژئوپلیتیکی آسیب‌پذیر است. نخست، بزرگراه قراقرم از گلگت-بلتستان عبور می‌کند، منطقه‌ای که هند ادعای حاکمیت بر آن را دارد و به‌حضور پاکستان

1. Karakoram Highway

اعتراض می‌کند (خطر اول در شکل ۸). چین و پاکستان قادر نخواهند بود بدون نقض درخواست هند برای توقف ساخت‌وساز در قلمرو مورد مناقشه، پیشرفت‌های بسیار و مورد نیاز بزرگراه قراقروم را تکمیل کنند (Mourdoukoutas, 2019).

دوم، بزرگراه قراقروم در صورتی مسیر حمل‌ونقل مناسبی خواهد شد که هند منع گسترش آن را لغو کند (خطر دوم در شکل ۸). به‌طور خاص، بزرگراه قراقروم در برخی نقاط آنقدر عریض نیست که ترافیک دوطرفه در آن جای گیرد؛ همچنین، در معرض رواناب‌های فصلی یخچال‌ها و رانش زمین است که جاده را به‌طور کامل مسدود می‌کند (Khalid, 2018).

سوم، گروه‌های جدایی‌طلب که توسعه چین در پاکستان را هدف قرار می‌دهند، تهدیدی برای CPEC هستند (خطر سوم در شکل ۸). این تهدید در بلوچستان، بسیار فوری است، چراکه بندر آب‌های عمیق گوادر در آن واقع شده است (Aamir, 2018a). این مسائل نشان‌دهنده مشکلی مهم‌تر است: نبود هویت ملی قوی در پاکستان (Devji, 2013: 5). نبود هویت ملی قوی، شهروندان پاکستانی را به سمت هویت‌های قومی و منطقه‌ای قوی‌تر سوق می‌دهد. این گروه‌های منطقه‌ای، به دلیل داشتن هزینه‌های محلی CPEC، اطمینان محدودی به آن دارند؛ ازجمله این هزینه‌ها موارد زیر برشمردنی است: جابه‌جایی اجباری، قرارگرفتن در معرض جرایم خرد و خشونت‌آمیز اتباع چینی در پاکستان و کاهش فزاینده دسترسی به منابع حیاتی. این موارد محلی، گروه‌های منطقه‌ای و قومی را به مخالفت خشونت‌آمیز با توسعه چین و حضور فراگیر اتباع چینی در پاکستان سوق می‌دهد. دولت پاکستان قادر به مدیریت این تنش‌های محلی با کمک ارتش، آنطور که چین امیدوار بود، نیست و همین امر چین را تشویق کرده است تا نیروی امنیتی خصوصی خود را در منطقه مستقر کند. این اقدام، تنش‌ها بین اتباع چینی و مردم محلی پاکستان را تشدید می‌کند و زیرساخت‌های CPEC را بیشتر به خطر می‌اندازد. تعهدهای مالی و مادی مداوم چین به CPEC، علی‌رغم عدم امکان‌سنجی ظاهری آن به‌منزله مسیر حمل‌ونقل، اهداف اصلی جغرافیای راهبردی و اقتصادی این کشور را با CPEC آشکار می‌کند.



شکل ۸. نقشه خطرهای تهدیدکننده CPEC (Furtek, 2019)

۲.۲.۵. مناقشه ارضی در کشمیر: چالش مشروعیت ژئوپلیتیکی CPEC

یکی از جنبه‌های بحرانی و پنهان‌شده CPEC، عبور آن از منطقه گلگت- بلتستان است؛ منطقه‌ای که بخشی از ایالت تاریخی جامو و کشمیر محسوب می‌شود و هم‌زمان سه بازیگر اصلی- چین، پاکستان و هند- ادعای حقوق حاکمیتی بر آن دارند. این مسیر، به‌ویژه بزرگراه قراقرم (KKH)، تنها راه ارتباطی زمینی چین با پاکستان است و مستقیم از این منطقه مورد مناقشه می‌گذرد.

بر اساس اسناد تاریخی، گلگت-بلتستان در سال ۱۸۴۸م به دو گروه مهاراجه کشمیر، واگذار شد و بریتانیا تا زمان استقلال هند در ۱۹۴۷م، آن را تحت حاکمیت غیرمستقیم اداره می‌کرد (Holden, 2019).



شکل ۹. نقشه CPEC با برجسته‌سازی منطقه مورد مناقشه (EFAS, n.d.)

پس از تجزیه هند، هر دو کشور نوظهور هند و پاکستان ادعای مالکیت بر کل ایالت جامو و کشمیر را مطرح کردند. در نهایت، پاکستان منطقه گلگت- بلتستان را اشغال کرد و هند کنترل دوسوم دیگر این ایالت را در دست گرفت. با

وجود اینکه مهاراجه کشمیر توافقنامه الحاق را به نفع هند امضا کرد، پاکستان از عقب‌نشینی از گلگت - بلتستان امتناع ورزید.

سازمان ملل متحد از سال ۱۹۴۸م، این منطقه را «مورد مناقشه» اعلام کرد. درعین حال، وضعیت حقوقی گلگت - بلتستان در قانون اساسی پاکستان نیز نامشخص باقی مانده است: مردم این منطقه شهروندان پاکستانی محسوب می‌شوند، اما نماینده پارلمانی رسمی ندارند تا وضعیت مورد مناقشه بین‌المللی آن حفظ شود (Holden, 2019).

در سال ۲۰۱۹م، وزارت امور خارجه هند با صدور بیانیه‌ای رسمی، CPEC را طرحی غیرقانونی اعلام و آن را با این ادعا محکوم کرد که از خاک تحت اشغال غیرقانونی پاکستان عبور و حاکمیت هند را نقض می‌کند (Mourdoukoutas, 2019). در پاسخ، چین از پاکستان خواست گلگت - بلتستان را به‌طور رسمی در قانون اساسی خود ثبت کند تا به توسعه‌های CPEC مشروعیت ببخشد. اما، پاکستان با این درخواست مخالفت کرد؛ چراکه چنین اقدامی موقعیت حقوقی پاکستان را در مناقشه کشمیر تضعیف می‌کند و با قطعنامه ۱۹۴۸م سازمان ملل مغایرت دارد.

این بن‌بست حقوقی و سیاسی، مشروعیت بین‌المللی طرح‌های CPEC در گلگت - بلتستان را به شدت زیرسؤال برد و موجب شد هر گونه توسعه زیرساختی در این منطقه، به‌ویژه در ابعاد فراملی، با واکنش‌های شدید هند و جامعه جهانی مواجه شود. تداوم این مناقشه، احتمال درگیری خشونت‌آمیز را افزایش داد و امنیت فیزیکی طرح‌های CPEC را به شدت به خطر می‌اندازد.

۳.۲.۵. شکنندگی هویت ملی در پاکستان و تأثیر آن بر امنیت ژئوپلیتیکی طرح CPEC

یکی از مشکلات ریشه‌ای در ساختار سیاسی و اجتماعی پاکستان، نبود هویت ملی یکپارچه و قوی است. برخلاف بسیاری از کشورها که بر پایه مشارکت سیاسی و توافق جمعی شکل گرفته‌اند، پاکستان بر اساس نفی هویت اکثریت هندوی و بر اساس ترس اقلیت مسلمان از سرکوب شکل گرفت (Devji, 2013: 3). این هویت منفی و انفعالی، باعث شده است که پیوند ملی در پاکستان سست باشد و وفاداری‌های محلی، قومی و مذهبی جایگزین وفاداری ملی شود.

تجربه تاریخی خشونت‌آمیز ناشی از تقسیم هند و پاکستان در سال ۱۹۴۷م و تبادل گسترده جمعیت، که به مرگ، تجاوز و آوارگی میلیون‌ها نفر منجر شد، وحدت سیاسی را از همان ابتدا تضعیف کرد (Dubnov, 2019: 277).



شکل ۱۰. نقشه ادعاهای اراضی در کشمیر (Dutta, 2019)

اگرچه پاکستان ساختار دموکراسی پارلمانی بریتانیا را پذیرفت، تهدیدهای امنیتی خارجی و بی‌ثباتی داخلی، فضا را برای قدرت‌گیری ارتش فراهم کرد. ارتش از همان نخستین سال‌های تأسیس دولت پاکستان در رأس ساختار سیاسی قرار گرفت و این تسلط تا امروز نیز ادامه یافته است (Brecher, 2017: 187-188).

هویت ملی پاکستان از اساس مبتنی بر تفاوت‌های دینی، زبانی و قومی با هند است نه گفتمان ملی ایجابی. این هویت صرفاً بر اشتراک‌های اجتماعی استوار است و از باورهای سیاسی مشترک تهی است (Devji, 2013: 5). به همین دلیل، دولت مرکزی ناچار است برای حفظ وحدت، به زور و ارتش تکیه کند، نه به رضایت و مشروعیت سیاسی. نتیجه این وضعیت، ظهور و قدرت‌گرفتن جنبش‌های قومی و منطقه‌ای مانند ارتش آزادی‌بخش بلوچستان (BLA)^۱ و جنبش پشتون‌ها (P.T.M)^۲ است.

در چنین فضای متزلزلی، ورود ده‌ها هزار تبعه چینی در قالب طرح‌های

1. Balochistan Liberation Army

2. Pashtun-majority

CPEC، به‌ویژه در مناطق حساسی مانند بلوچستان، شکاف‌های هویتی و اجتماعی را تشدید کرده است. بسیاری از پاکستانی‌ها حضور چینی‌ها را تهدیدی برای تمامیت فرهنگی، مذهبی و اقتصادی خود می‌دانند. اقبال نیز پیش‌تر هشدار داده بود که جامعه مسلمان به نیروهای خارجی و تهدیدکننده انسجام آن‌ها حساسیت ویژه‌ای دارد (Devji, 2013: 158).

علاوه بر این، جرائم فزاینده اتباع چینی در خاک پاکستان - شامل قاچاق انسان، خشونت جنسی، تجارت اعضای بدن، حمله به پلیس، و کلاهبرداری بانکی - تنش‌های اجتماعی را تشدید کرده است (AP, 2019; Baloch, 2019; Shah, 2019; PTI, 2019; Khan, 2018). اسناد و گزارش‌ها نشان می‌دهد که دولت پاکستان برای حفظ رابطه با چین، حتی به قیمت نادیده گرفتن این جرائم، اقدام به سرپوش گذاشتن بر آن‌ها کرده است. این رفتار نه تنها مشروعیت دولت را در نگاه شهروندان تضعیف کرده است، بلکه به چین امکان نفوذ بیشتر در ساختارهای سیاسی و قضایی پاکستان را می‌دهد.

در نتیجه، طرح CPEC در چنین بستری از شکنندگی هویتی و ناکارامدی امنیتی، با تهدیدهای جدی مواجه است و چین برای حفظ منافع خود ناگزیر شده است مداخله امنیتی و غیررسمی خود را در پاکستان افزایش دهد. این امر خود، امنیت منطقه‌ای را پیچیده‌تر و خطرناک‌تر می‌کند.

۴.۲.۵. CPEC/بزاری برای تثبیت جایگاه جغرافیای راهبردی چین

چین توجه خاصی به بندر گوادر، شهری ساحلی در جنوب غربی ایالت بلوچستان پاکستان، نشان داده است. این منطقه، اگرچه کم‌جمعیت‌ترین استان کشور است، از موقعیتی برخوردار است که «کمر بند» دریایی ابتکار کمر بند و راه (BRI) را به زیرساخت‌های زمینی CPEC متصل می‌کند (Sender, 2018). هرچند احداث بزرگراهی که گوادر را به غرب چین متصل کند به دلیل چالش‌های محیط‌زیستی و منازعه‌های حاکمیتی با هند با موانعی روبه‌روست، طرح‌های خطوط لوله و راه‌آهن CPEC گوادر را به قطب مهمی برای امنیت انرژی چین بدل کرده است. این بندر در مجاورت دریای عرب، نزدیک مرزهای عمان و ایران، و تنها ۴۰۰ کیلومتر دورتر از تنگه راهبردی هرمز واقع شده است. یک پنجم نفت جهان از این منطقه عبور می‌کند (Aamir, 2018b). با توجه به اینکه چین حدود ۷۵ درصد از نفت مصرفی خود را وارد می‌کند، دسترسی به چنین موقعیتی برای این کشور حیاتی است. از سوی دیگر، از سال ۲۰۱۳م تاکنون، درحالی‌که تولید داخلی نفت در چین ۱۵

درصد کاهش یافته، تقاضا برای نفت تا ۳۰ درصد رشد داشته است (Clemente, 2019).

اهمیت گوادر در راهبرد ژئوپلیتیکی چین، تنها به انرژی محدود نمی‌شود. رویکرد ژئوپلیتیکی شی جین‌پینگ در طرح BRI، با تأکید بر کنترل نقاط گلوگاهی دریایی- همانند تنگه‌های هرمز، مالاکا و جبل‌الطارق- میراثی از قدرت‌طلبی است که از امپراتوری‌های بریتانیا و روسیه گرفته تا ایالات متحده ادامه داشته است. گوادر که سابقاً تحت کنترل عمان (وابسته به بریتانیا) بود، در سال ۱۹۵۸م با پرداخت ۳ میلیون دلار به مالکیت پاکستان درآمد. از دهه ۹۰م، طرح‌هایی برای احداث بندر در این منطقه آغاز شد و با ورود سرمایه و نیروی کار چینی در سال ۲۰۰۲م، شتاب گرفت. در سال ۲۰۱۳م، شرکت هلدینگ بنادر فرامرزی چین (COPHCL)^۱ حق بهره‌برداری از بندر را تا سال ۲۰۴۷م در اختیار گرفت که نشان‌دهنده پیوند جغرافیای راهبردی عمیق‌تری میان چین و گوادر است (Garlick, 2018).

در مدل همکاری «۱+۴» که چین و پاکستان برای CPEC تعریف کرده‌اند، اولویت به موفقیت کلی دالان داده شده است. سپس، بر توسعه بندر گوادر، انرژی، زیرساخت‌های حمل‌ونقل و مشارکت صنعتی تمرکز شده است. دو کشور گوادر را حلقه‌ای حیاتی در زنجیره پیوند اقتصادی خود می‌دانند و برای توسعه آن، منطقه آزاد اقتصادی، تقویت گردشگری مرزی و ایجاد زنجیره‌های صنعتی فراملی را دنبال می‌کنند (Pakistan Ministry, 2017). طرح‌هایی به ارزش ۳۲ میلیون دلار برای ساخت جاده، تأمین برق و ایجاد امنیت در این منطقه تعریف شده است که شرکت COPHCL مدیریت آن را بر عهده دارد. بیش از ۶۲۰۰ هکتار زمین نیز به مناطق صنعتی، صادراتی و آزاد اختصاص یافته است (CPEC, 2020). کنترل مستقیم چین بر این مناطق به رقابت منابع میان ساکنان محلی و چینی‌ها منجر شده است. بحران خشکسالی از سال ۲۰۱۳م شدت یافت و به کاهش شدید منابع آبی انجامید. ساکنان گوادر مجبور شده‌اند از آب‌های آلوده و منتقل‌شده با تانکرهای قدیمی نفتی استفاده کنند، درحالی‌که کارگران چینی از آب کارخانه‌های شیرین‌سازی برخوردارند (Bhatti, 2018; Ebrahim, 2017). همچنین، جابه‌جایی جامعه ماهیگیری محلی از مناطق سنتی به نواحی دورتر مانند سور باندا، که از نظر ظرفیت شیلاتی پاسخگوی نیاز نیست، فشار مضاعفی بر اقتصاد محلی وارد کرده است.

1. China Overseas Ports Holding Company Limited

احساس محرومیت و تبعیض در میان بلوچ‌ها، با خاطره استعمار تاریخی منابعشان، شورش‌های تازه‌ای را شعله‌ور کرده است. در این میان، حملات ارتش آزادی‌بخش بلوچستان به تأسیسات و نیروهای چینی، فضای منطقه را امنیتی‌تر کرده است. ارتش پاکستان با تشکیل واحدهای امنیتی ویژه و ممنوعیت ورود خبرنگاران، تلاش کرده است کنترل را افزایش دهد؛ اما، همچنان ناتوانی در تأمین امنیت کامل مشهود است (Blackwell, 2019; Notezai, 2019).

حضور چشمگیر چینی‌ها، طرح ایجاد «شهر فرعی چینی» و خرید زمین‌های گسترده برای ساخت مجتمع‌های مسکونی و تفریحی، به ایجاد ساختارهایی از حاکمیت درون‌مرزی منجر شده است. این پدیده که از آن با عنوان «حاکمیت تودرتو» یاد می‌شود، چین را در موضعی قرار می‌دهد که فراتر از صرف سرمایه‌گذار خارجی، نقش کنشگر مستقیم در مدیریت مناطق پیرامون گوادر را ایفا کند. در نتیجه، توسعه CPEC به ابزاری برای تثبیت جای پای جغرافیای راهبردی چین در منطقه حساس دریای عرب تبدیل شده است.

۵.۲.۵. CPEC فرصتی برای چین برای دنبال کردن منابع آب شیرین و مناطق ویژه اقتصادی در گلگت-بلتستان (کشمیر تحت کنترل پاکستان)

اهمیت راهبردی گوادر به‌منزله دروازه‌ای رو به جغرافیای راهبردی برای چین، در کنار گلگت-بلتستان برجسته است. این منطقه منابع طبیعی غنی دارد. دسترسی به منابع آب شیرین در گلگت-بلتستان، یکی از اهداف کلیدی چین در این منطقه به‌شمار می‌رود، چراکه آب فوق‌خالص (UPW)^۱ در صنعت تولید ریزتراشه (میکروچیپ) نقشی اساسی دارد. کارخانه‌های ساخت نیمه‌هادی، به‌طور میانگین روزانه بین ۲ تا ۴ میلیون گالن آب فوق‌خالص مصرف می‌کنند که معادل مصرف آب روزانه ده‌ها هزار نفر است (Howell, 2009). با توجه به آلودگی شدید آب رودخانه‌ها در شهرهای چین مانند شانگهای و پکن، دسترسی به آب مناسب برای مصارف صنعتی در داخل چین محدود شده و گلگت-بلتستان جایگزینی مناسب و در مرکز توجه است (Tingting, 2017).

در همین راستا، کارخانه GCL-Poly Energy Holdings در کاشغر، نزدیک منطقه گلگت-بلتستان، برای تأمین مواد اولیه مراکز تولید ریزتراشه موقعیتی کلیدی دارد. این شرکت را گروه Poly تحت نظارت مستقیم دولت چین اداره

1. ultrapure water

می‌کند و به خانواده‌ای وابسته به نخبگان سیاسی چین تعلق دارد (Malhotra & Raza, 2019).

طرح ساخت سد عظیم دیامر-بهاشا با حمایت مالی چین، نقطه عطف دیگری در توسعه زیرساخت‌های منطقه محسوب می‌شود. این سد که در خاک گلگت-بلتستان و با بودجه‌ای بالغ بر ۱۲ تا ۱۴ میلیارد دلار ساخته می‌شود، منبع مهمی برای تولید برق و تأمین آب کشاورزی خواهد بود. این طرح با مخالفت صریح هند مواجه شده است و نهادهای بین‌المللی مانند بانک جهانی و بانک توسعه آسیایی (ADB)^۱ از تأمین مالی آن امتناع کرده‌اند (Jorgic, 2017; Neelakantan, 2018).

این سد قرار است ۴۵۰۰ مگاوات برق تولید کند و بخشی از پاسخ به بحران انرژی پاکستان باشد، ولی احداث آن نیازمند جابه‌جایی هزاران خانواده و غرق‌شدن بخشی از مسیر راهبردی بزرگراه قراقرم است که اهمیت دالان اقتصادی و زمینی چین-پاکستان را بیشتر تحت‌الشعاع قرار می‌دهد (Jorgic, 2017).

از سوی دیگر، حضور نظامی چین در مناطق مورد مناقشه نیز در حال افزایش است. تصاویر ماهواره‌ای مربوط به سال ۲۰۱۷م ساخت جاده‌ای ۳۶ کیلومتری و پست‌های نظامی جدید را به‌دست چین در دره شاکسگام نشان می‌دهد؛ منطقه‌ای که با یخچال سیاجن و سین کیانگ هم‌مرز است. این اقدام‌ها واکنش تند هند را در پی داشته است (Bhat, 2018).

در همین حال، پاکستان با هدف تعمیق همکاری اقتصادی، با توسعه منطقه ویژه اقتصادی موکپوندا در گلگت-بلتستان موافقت کرده است. این منطقه با بیش از ۷۵۰ هکتار مساحت واقعی، زمینه‌ساز حضور بلندمدت چین در منطقه خواهد بود (Bhat, 2019).

از چالش‌های مهم توسعه زیرساختی در این ناحیه، گسترش روزافزون وهابیت در کشمیر است. با پشتیبانی مالی عربستان سعودی، بیش از ۷۰۰۰ مسجد وهابی در منطقه فعال هستند که نفوذ مذهبی آن‌ها ممکن است تهدیدی برای حضور و منافع چین باشد (Malhotra & Raza, 2019; Shane, 2016).

در پاسخ به این تهدیدها، چین احتمالاً از ظرفیت پایگاه عملیاتی مقدم (FSG)^۲ در سین کیانگ برای اعمال قدرت در منطقه استفاده خواهد کرد (Ordonez, 2019).

1. Asian Development Bank
2. Frontier Services Group



شکل ۱۱. تصویر ماهواره‌ای از ساخت منطقه ویژه اقتصادی موکپوندا (Bhat, 2019).

۶. نتیجه‌گیری

طرح دالان اقتصادی چین-پاکستان (CPEC) نمونه‌ای ممتاز از تلاقی دو مفهوم کلان در سیاست بین‌الملل معاصر است: ژئواقتصاد و ژئوپلیتیک. در ظاهر، این طرح با هدف توسعه اقتصادی، افزایش ارتباطات حمل‌ونقل بین‌المللی و بهبود زیرساخت‌ها در پاکستان مطرح شد، اما شواهد تجربی، داده‌های میدانی و تحول‌های سیاسی سال‌های اخیر نشان می‌دهد که منطق عمیق‌تری بر CPEC حاکم است؛ منطقی که در آن، اقتصاد به ابزاری برای پیشبرد منافع ژئوپلیتیکی بدل شده است.

از منظر ژئواقتصادی، چین با استفاده از CPEC توانسته است مزاد ظرفیت صنعتی خود را به بیرون صادر کند؛ اشتغال داخلی خود را تقویت کند؛ جریان سرمایه را به سود پیمانکاران خود بازگرداند؛ و از همه مهم‌تر، مقدمات بین‌المللی‌سازی رنمینی را فراهم آورد. هم‌زمان، ساختارهای مالی طرح-ازجمله وام‌های مشروط، مناطق ویژه اقتصادی و واردات هدفمند کالاهای چینی-نوعی وابستگی ساختاری در پاکستان ایجاد کرده است که آزادی تصمیم‌گیری اقتصادی این کشور را به چالش می‌کشد.

از منظر ژئوپلیتیکی، CPEC با عبور از مناطق مورد مناقشه (گلگت-

بلتستان) تنش‌های امنیتی منطقه‌ای را تشدید کرده و، تقابل با هند و رقابت‌های دریایی در اقیانوس هند افزایش یافته است. حضور چین در بندر گوادر و سرمایه‌گذاری‌های بلندمدت در نقاط کلیدی پاکستان، نشان‌دهنده نظم‌سازی فضایی جدیدی است که در آن چین در حال تثبیت نقش خود در جایگاه قدرت مسلط در جنوب آسیاست. این وضعیت، از یک‌سو واکنش هند و هم‌پیمانان غربی آن را برانگیخته است؛ و از سوی دیگر، فضای داخلی پاکستان را با بحران‌های اجتماعی، امنیتی و هویتی مواجه کرده است. مجموع این عوامل نشان می‌دهد که CPEC صرفاً طرحی توسعه‌ای نیست، بلکه ابزاری در خدمت ژئوپلیتیک در مسیر تأمین راهبرد جهانی چین و بازتعریف نظم منطقه‌ای در جنوب آسیاست.

با نگاه به آینده، طرح CPEC فراتر از طرح زیرساختی ساده و به مثابه متغیری کلیدی در شکل‌دهی به نظم نوظهور منطقه‌ای و جهانی عمل خواهد کرد. از منظر منطقه‌ای، تداوم و گسترش CPEC، وابستگی راهبردی پاکستان را به چین تعمیق بخشیده است و موقعیت این کشور را در تقابل با رقبای منطقه‌ای (به‌ویژه هند) تقویت می‌کند. این طرح با ایجاد مسیری کوتاه‌تر برای دسترسی چین به اقیانوس هند و تسهیل انتقال انرژی، نه تنها بر ژئوپلیتیک انرژی در منطقه تأثیر می‌گذارد، بلکه توازن قدرت دریایی را در اقیانوس هند به چالش می‌کشد و به راهبرد «محاصره‌شکنی» چین در برابر برتری دریایی آمریکا و هند کمک می‌کند. این امر به نوبه خود، رقابت‌های ژئوپلیتیکی موجود میان قدرت‌های بزرگ را تشدید می‌کند و به پیچیدگی‌های امنیتی جنوب آسیا و فراتر از آن می‌افزاید. در سطح جهانی، موفقیت یا چالش‌های پیش روی CPEC، محک مهمی برای ابتکار کمربند-راه (BRI) و مدل توسعه‌محور چین خواهد بود. پیامدهای این طرح ممکن است بر میزان نفوذ چین در منطقه اوراسیا و آفریقا، همچنین بر اعتبار مدل توسعه‌ای آن در رقابت با الگوهای غربی تأثیر بگذارد. بنابراین، CPEC تنها طرحی دوجانبه نیست، بلکه عامل فعالی در بازآرایی احتمالی نظم جهانی و جابه‌جایی کانون‌های قدرت از غرب به شرق است که پیامدهای آن در دهه‌های آتی بیش از پیش آشکار خواهد شد.

تعارض منافع

این مقاله مشمول هیچ گونه تعارض منافع نیست.

مشارکت نویسندگان

نویسندگان در تألیف این مقاله مشارکت یکسان داشته‌اند.

اصول اخلاقی

نویسندگان در انتشار این مقاله، به‌طور کامل از اخلاق نشر، از جمله سرقت ادبی، سوءرفتار، جعل داده‌ها یا ارسال و انتشار دوگانه پرهیز داشته‌اند؛ منفعت تجاری در این راستا وجود ندارد. این مقاله حاصل تحقیقات خود نویسندگان است و اصالت محتوای آن را اعلام داشته‌اند. تألیف این مقاله به هوش مصنوعی داده نشده است.

دسترسی به داده‌ها

در صورت نیاز به اطلاعات بیشتر درخصوص نحوه تجزیه و تحلیل داده‌ها در این مقاله، با نویسنده مسئول مکاتبه فرمایید.

منابع

- اشرفی ح، شیخ‌الاسلامی مح. (۱۴۰۲). «رویکرد ایالات متحده آمریکا در قبال ابتکار کمربند-جاده در پرتو راهبرد کلان آمریکا در قبال چین (۲۰۲۰-۲۰۱۳)». *مطالعات کشورها*. ۱۱(۱): ۱۶۰-۱۳۱. <https://doi.org/10.22059/jcountst.2023.91657>
- حافظ‌نیا مر. (۱۳۷۹). «تعریفی نو از ژئوپلیتیک». *تحقیقات جغرافیایی*. ۱۵(۳-۴) (پیاپی ۵۹-۵۸): ۷۱-۸۸. <https://sid.ir/paper/29768/fa>
- عابدینی م، قربانی‌نژاد ر، فرجی‌راد ع، اخباری م. (۱۴۰۱). «رقابت استراتژیک و ژئوپلیتیکی مسی‌دریایی طرح یک کمربند یک جاده چین در اقیانوس هند». *اقیانوس‌شناسی*. ۱۳(۴۹): ۹۲-۱۰۷. <http://dx.doi.org/10.52547/joc.%E2%80%8E13.49.92>
- فریادرس ع، ملکی ع. (۱۴۰۲). «امنیت انرژی، نظام جهانی، و معمای امنیت ماریچی جرویس؛ مطالعه موردی: جنگ روسیه و اوکراین». *مطالعات کشورها*. ۱(۴): ۵۱۵-۵۵۶. <https://doi.org/10.22059/jcountst.2023.359034.1032>
- قادری حاجت م، احمدی دوازده امامی ف. (۱۴۰۳). «بنیان‌های ژئوپلیتیکی رقابت ایالات متحده آمریکا و چین در آسیا-پاسیفیک». *سیاست جهانی*. ۱۳(۲): ۵۳-۸۱. <https://doi.org/10.22124/wp.2024.26081.3281>
- متقی ا، امامی ن. (۱۴۰۲). «دکترین رشته مرواریدهای چین و راهبردهای هند برای مقابله با آن». *پژوهش‌های روابط بین‌الملل*. ۱۳(۴): ۸۵-۱۱۶. <https://doi.org/10.22034/irr.2023.398806.2383>
- نورعلی ح، احمدی سع. (۱۴۰۱). «واکاوی نقش ژئوپلیتیکی ایران در کریدورهای بین‌المللی و ارائه مدل ایران، هارتلند کریدوری جهان». *پژوهش‌های جغرافیای انسانی*. ۵۴(۳): ۱۱۶۱-۱۱۶۰

<https://doi.org/10.22059/jhgr.2022.331764.1008388> . ۱۸۷

- Aamir A. (2018a). "Religious violence jeopardises China's investment in Pakistan". *Financial Times*. July 25. <https://www.ft.com/content/8810e618-9020-11e8-bb8f-a6a2f7bca546>.
- Aamir A. (2018b). "China's Belt and Road plans dismay Pakistan's Poorest Province". *Financial Times*. June 14. www.ft.com/content/c4b78fe0-5399-11e8-84f4-43d65af59d43.
- Abedini M, Ghorbani-Nezhad R, Farajirad A, Akhbari M. (2022). "Strategic and geopolitical competition of the China Sea One Belt Road Project in the Indian Ocean". *Oceanography*. 13(49): 92-107. <http://dx.doi.org/10.52547/joc.%E2%80%8E13.49.92>. [in Persian]
- Abi-habib M. (2018). "How China got Sri Lanka to cough up a port". *The New York Times*. June 25. www.nytimes.com/2018/06/25/world/asia/china-sri-lanka-port.html.
- Ahmad F, Gill AT, Hussian Z, Ismail M. (2024). "Pakistan-China relations in the 21st century: Political and economic cooperation through the perspective of CPEC". *Policy Research Journal*. 2(4): 1620. <https://policyresearchjournal.com/index.php/1/article/view/205>.
- Aman A, Yaseen Z. (2025). "Pakistan-China strategic partnership in 21st century: The impacts on regional politics". *Journal of Social Sciences Development*. 4(1): 76-91. <https://doi.org/10.53664/JSSD/04-01-2025-07-76-91>.
- AP. (2019). "Pakistani officials claim women trafficked into prostitution in China after marriage". *CBS News*. June 17. www.cbsnews.com/news/human-trafficking-pakistani-officials-claim-pakistan-women-married-men-in-china-sold-into-prostitution/.
- Ashrafi HR, Sheikholeslami MH. (2023). "The approach of the United States towards the Belt and Road Initiative in light of the U.S. Grand Strategy towards China (2013-2020)". *Countries Studies*. 1(1): 131-160. <https://doi.org/10.22059/jcountst.2023.91657>. [in Persian]
- Baloch S. (2019). "The Pakistani brides being trafficked to China". *BBC News*. May 15. www.bbc.com/news/world-asia-48260397.
- Barboza D. (2008). "China unveils \$586 billion stimulus plan". *The New York Times*. 10 November. www.nytimes.com/2008/11/10/world/asia/10iht-10china.17673270.html.
- Bhat V. (2019). "Pakistan & China are building an SEZ in PoK's Gilgit-Baltistan, satellite images show". *ThePrint*. August 27. <https://theprint.in/world/pakistan-china-are-building-an-sez-in-poks-gilgit-baltistan-satellite-images-show/282413/>.
- (2018). "Fresh provocation: China's building a 36-km long road in strategic J&K Valley near Siachen". January 15. <https://www.strategicfront.org/forums/threads/fresh-provocation-chinas-building-a-36-km-long-road-in-strategic-j-k-valley-near-siachen.800/>.
- Bhatti J. (2018). "Feature: Thirsty Gwadar enjoys sustainable, sweet desalted seawater". *Asia&Pacific Edition*. July 13. http://www.xinhuanet.com/english/2018-07/13/c_137321878.htm.
- Blackwell T. (2019). "Pakistan deploys special forces for CPEC protection". *The National Post*.
- Blackwill RD, Harris JM. (2016). *War by Other Means: Geoeconomics and Statecraft*. Harvard University Press. <https://doi.org/10.4159/9780674545960>.
- Brecher M. (2017). *A Century of Crisis and Conflict in the International System: Theory and Evidence: Intellectual Odyssey III*. Springer.
- Cardoso FH, Faletto E. (1979). *Dependency and development in Latin America*. M. Urquidí (Trans.). University of California Press.

- CEIC. (2020). "China reserve requirement ratio [1985 - 2020]". 1 February. www.ceicdata.com/en/indicator/china/reserve-requirement-ratio.
- China Central Bank. (2020). "Injects \$58 billion of loans but keeps rates steady". Thomson Reuters. 20 January. www.reuters.com/article/us-china-economy-mlf/china-central-bank-injects-58-billion-of-loans-but-keeps-rates-steady-idUSKBN1ZE05E.
- China Foreign Exchange Reserves. (2025). *Trading Economics*. <https://tradingeconomics.com/china/foreign-exchange-reserves>.
- Clemente J. (2019). "China is the world's largest oil & gas importer". *Forbes*. October 17. <https://www.forbes.com/sites/judeclemente/2019/10/17/china-is-the-worlds-%20largest-oil--gas-importer/#1fa54a335441>.
- Cooley A, Spruyt H. (2009). *Contracting States: Sovereign Transfers in International Relations*. Princeton University Press.
- Corbridge S. (1993). *Debt and Development*. The Royal Geographical Society with the Institute of British Geographers Studies in Geography.
- CPEC. (2020). "Development of port and free zone". <https://cpec.gov.pk/project-details/36>.
- Devji F. (2013). *Muslim Zion: Pakistan as a Political Idea*. Harvard University Press.
- Dubnov A, Robson L. (ed.) (2019). *Partitions: A Transnational History of Twentieth-Century Territorial Separatism*. Stanford University Press.
- Dutta PK. (2019). "Kashmir: How line of control has changed in 70 years". August 20. <https://www.indiatoday.in/news-analysis/story/kashmir-how-line-of-control-has-changed-in-70-years-1579118-2019-08-09>.
- Ebrahim Z. (2017). "What's happening at Pakistan's Gwadar port?". *Dialogue Earth*. June 6. <https://dialogue.earth/en/ocean/3215-pakistan-gwadar-port/>.
- EFAS. (n.d.). "China Pakistan Economic Corridor and Jammu & Kashmir". <https://www.efsas.org/publications/study-papers/china-pakistan-economic-corridor-and-jammu-and-kashmir/>.
- Faryadras A, Maleki A. (2023). "Energy security, world system, and Jervis' spiral security dilemma; Case of Russo-Ukraine War". *Countries Studies*. 1(4): 515-556. <https://doi.org/10.22059/jcountst.2023.359034.1032>. [in Persian]
- Financial Times*. (2018). "Pakistan Puts a Spotlight on China's Opaque Loans". www.ft.com/content/3e6f9ee8-9578-11e8-b67b-b8205561c3fe.
- Findlay S, Bokhari F. (2019). "Imran Khan swallows' pride to clinch toughest IMF bailout yet". *Financial Times*. 15 May. <https://www.ft.com/content/10318f10-7677-11e9-bbad-7c18c0ea0201>.
- Flint C. (2011). *An Introduction to Geopolitics*. 2nd ed. Routledge.
- Furtek MR. (2019). Tracing the Evolution of CPEC from an Economic Initiative into a Geopolitical Project. Honors thesis, University of California, Los Angeles.
- Garlick J. (2018). "Deconstructing the China-Pakistan economic corridor: Pipe dreams versus geopolitical realities". *Journal of Contemporary China*. 27(112): 519-533. <https://doi.org/10.1080/10670564.2018.1433483>.
- Ghadari Hajjat M, Ahmad Duzdah Imami F. (2024). "Geopolitical foundations of U.S.-China competition in the Asia-Pacific". *Global Politics*. 13(2): 53-81. <https://doi.org/10.22124/wp.2024.26081.3281>. [in Persian]
- Reuters. (2019). "Global Watchdog Keeps Pakistan on Terrorism Financing 'Gray List'". October 18. www.reuters.com/article/us-fatf-pakistan/global-watchdog-keeps-pakistan-on-terrorism-financing-gray-list-idUSKBN1WX16K.
- Gray CS. (1998). *The Geopolitics of Superpower*. University Press of Kentucky.
- Grieger G. (2016). *One Belt, One Road (OBOR): China's Regional Integration Initiative*. EPRS (European Parliamentary Research Service, No. PE 586.608. European Parliament Briefing.
- Hafeznia MR. (2001). "Geopolitics: A new definition". *Geographical Research*. 15(4-3 (58-59)): 71-88. <https://sid.ir/paper/29768/fa>. [in Persian]

- Haider M. (2019). "Gwadar free zone: China assured 23 years sales tax, other exemptions". *The News International*. 16 November. <https://www.thenews.com.pk/print/570069-gwadar-free-zone-china-assured-23-years-sales-tax-other-exemptions>.
- Holden L. (2019). "Law, governance, and culture in Gilgit-Baltistan: Introduction". *South Asian History and Culture*. 10(1): 1-13. <https://doi.org/10.1080/19472498.2019.1576300>.
- Howell L. (2009). "Semiconductor manufacturing plants can use as much water as a small city". *IEEE Spectrum: Technology, Engineering, and Science News*. August 31. <https://spectrum.ieee.org/podcast/semiconductors/design/semiconductor%20-manufacturing-plants-can-use-as-much-water-as-a-small-city>.
- Hussain M. (2021). "CPEC and geo-security behind geo-economics: China's master stroke to counter terrorism and energy security dilemma". *East Asia*. 38(4): 313-332. <https://link.springer.com/article/10.1007/s12140-021-09364-z>.
- IMI: International Monetary Institute. (2016). *Internationalization of the RMB: Establishment and Development of RMB Offshore Markets*. Routledge.
- Jorgic D. (2017). "Pakistan eyes 2018 start for China-funded mega dam opposed by India". *Thomson Reuters*. June 13. www.reuters.com/article/us-china-silkroad-pakistan-dam/pakistan-eyes-2018-start-for-china-funded-mega-dam-opposed-by-india-idUSKBN1941P9.
- Kaplan RD. (2012). *The Revenge of Geography: What the Map Tells Us About Coming Conflicts and the Battle Against Fate*. New York: Random House.
- Khalid R. (2018). *Strategy for Developing an Effective SEZ in Gilgit-Baltistan*. Centre of Excellence for CPEC in Islamabad. <https://cpec-centre.pk/wp-content/uploads/2018/06/Merged-Documents-0606004904.pdf>.
- Khan F. (2018). "Five more Chinese held in Karachi for ATM fraud". *The Express Tribune*. January 14. <https://tribune.com.pk/story/1608487/1-another-chinese%20-national-arrested-atm-skimming-karachi>.
- Khan MNA, Bukhari SMH. (2024). "China-Pakistan Economic Corridor (CPEC): Benefits and Challenges for Pakistan". *Journal of Development and Social Sciences*. 5(2): 19-32. [https://doi.org/10.47205/jdss.2024\(5-II\)03](https://doi.org/10.47205/jdss.2024(5-II)03).
- Léautier FA, Schaefer M, Shen W. (2015). "Part I: China's new Maritime Silk Road: An opportunity for the revival of Africa?". UONGOZI Institute. <https://www.uongozi.go.tz/sw/news/part-i-chinas-new-maritime-silk-road-an-opportunity-for-the-revival-of-africa/>.
- Lee A. (2019). "China now accounts for some 15 per cent of overall global debt". *South China Morning Post*. 19 July. www.scmp.com/economy/china-economy/article/3018991/chinas-total-debt-rises-over-300-cent-gdp-beijing-loosens.
- Luttwak EN. (1990). "From geopolitics to geo-economics: Logic of conflict, grammar of commerce". *The National Interest*. Summer: 17-24. <https://www.jstor.org/stable/42894676>.
- Malhotra I, Raza M. (2019). *Kashmir's Untold Story: Declassified*. Bloomsbury Publishing.
- Mardell J. (2020). "The BRI in Pakistan: China's flagship economic corridor". *Merics*. 20 May. <https://www.merics.org/sites/default/files/2018-09/UpdateEconomic-Corridor-Web-150ppi.jpg>.
- Moazzam M, Sajjad M. (2025). "Great power rivalry in Indo-Pacific: Impact on CPEC and functional operations of Gwadar". *Advance Social Science Archive Journal*. 3(02): 1332-1343. <https://doi.org/10.55966/assaj.2025.3.2.022>.
- Motaghi A, Emami N. (2023). "The string of pearls doctrine and India's counter strategies". *International Relations Research Quarterly*. 13(4): 85-116. <https://doi.org/10.22034/irr.2023.398806.2383>. [in Persian]
- Mourdoukoutas P. (2019). "India is changing the game for China and Pakistan in Kashmir". *Forbes*. September 12.

- www.forbes.com/sites/panosmourdoukoutas/2019/09/12/india-is-changing-the-game-for-china-and-pakistan-in-kashmir/#797de66e54b9.
- Neelakantan S. (2018). "China offers to build dam in Gilgit-Baltistan that ADB, World Bank refused to fund". *The Economic Times*. July 12. <https://economictimes.indiatimes.com/news/defence/china-offers-to-build-dam-in-gilgit-baltistan-that-adb-world-bank-refused-to-fund/articleshow/59234178.cms?from=mdr>.
- Noorali H, Ahmadi SA. (2022). "Analyzing Iran's geopolitical role in international corridors and presenting the model 'Iran, the Corridor Heartland of the World'". *Human Geography Research*. 54(3): 1187-1161. <https://doi.org/10.22059/jhgr.2022.331764.1008388>. [in Persian]
- Notezai M. (2019). "Can Pakistan protect CPEC?". *The Diplomat*. May 20. <https://thediplomat.com/2019/05/can-pakistan-protect-cpec/>.
- Ordonez V. (2019). "Erik Prince's Company plans business in China province under Human Rights Scrutiny according to financial disclosure". *ABC News*. October 9. <https://abcnews.go.com/International/erik-princes-company-plans-business-china-province-human/story?id=66139535>.
- Pakistan Ministry for Planning, Development and Reform. (2017). "Long term plan for China-Pakistan economic corridor". Government of Pakistan.
- PTI. (2019). "Angry Chinese boss arrested for pushing pakistani worker into Furnace". *Economic Times*. May 22. <https://timesofindia.indiatimes.com/world/pakistan/angry-chinese-boss-arrested-for-pushing-pakistani-worker-into-furnace/articleshow/69448749.cms>.
- Rodrigue JP. (2020). *The Geography of Transport Systems*. Routledge.
- Sender H. (2018). "Pakistan rethinks its role in Xi's Belt and Road plan". *Financial Times*. September 09. <https://www.ft.com/content/d4a3e7f8-b282-11e8-99ca-68cf89602132>.
- Shah S. (2019). "Chinese workers thrash policemen in Khanewal". *DAWN*. January 25. www.dawn.com/news/1399531.
- Shane S. (2016). "Saudi and extremism: 'Both the Arsonists and the Firefighters'". *The New York Times*. August 25. <https://www.nytimes.com/2016/08/26/world/middleeast/saudi-arabia-islam.html>.
- Sharma M. (2018). "Pakistan has external debt problem and its date with China is proving expensive". *Business Standard*. 23 May. https://www.business-standard.com/article/international/pak-has-external-debt-problem-and-its-date-with-china-is-proving-expensive-118052300110_1.html.
- Siddique A. (2022). *China-Pakistan Relations in the Twenty-First Century*. Centre for Public Policy and Governance, Forman Christian College (A Chartered University). <https://cppg.fccollege.edu.pk/publications/china-pakistan-relations-in-the-twenty-first-century/>.
- Sin N, Galbraith A. (2019). *Explainer: Behind the Climb in Chinese Companies' Defaults on Bond Payments*. Thomson Reuters.
- Stevenson A. (2019). "China injects \$126 billion into its slowing economy". *The New York Times*. 6 September. www.nytimes.com/2019/09/06/business/china-economy-reserve.html.
- Sum N. (2019). "The intertwined geopolitics and geoeconomics of hopes/fears: China's politics, triple economic bubbles and the 'One Belt One Road' imaginary". *Territory, Governance*. 7(4): 528-552. <https://doi.org/10.1080/21622671.2018.1523746>.
- The Times of India*. (2018). "Why India is paying millions for world's emptiest airport". July 5. <https://timesofindia.indiatimes.com/india/why-is-india-paying-millions-for-worlds-emptiest-airport/articleshow/64867888.cms>.
- Tingting D. (2017). "In China, the water you drink is as dangerous as the air you breathe". *The Guardian News and Media*. June 2. www.theguardian.com/global-development-professionals-network/2017/jun/02/china-water-dangerous-

- [pollution-greenpeace](#).
Trading Economics. (2019). "Pakistan Total External Debt".
<https://tradingeconomics.com/pakistan/external-debt>.
Weinland D. (2019). "Corporate defaults in China surge in 2019 to record high \$18.6bn". *Financial Times*. 25 December. www.ft.com/content/068a83e0-27a7-11ea-9305-4234e74b0ef3.
The World Bank. (2018). "Gross fixed capital formation (% of GDP)". Data Bank.
<https://data.worldbank.org/indicator/NE.GDI.FTOT.ZS>.